

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۰

جمعه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۴ مه ۲۰۲۱

### پیروزی هفت تپه و چشم انداز

#### سوسیالیسم

حمید تقوایی



پیروزی کارگران هفت تپه نقطه عطفی در جنبش کارگری و در کل فضای سیاسی ایران است. جایگاه و اهمیت دستاورد کارگران نیشکر هفت تپه را میتوان از دو جنبه بررسی کرد. از نقطه نظر مضمون این پیروزی یعنی خلع ید از کارفرما و باند مافیائی حاکم بر نیشکر هفت تپه و از نظر اعلام و جشن پرشور و رزمنده این پیروزی از جانب کارگران هفت تپه. از هر دو نظر این دستاورد از هفت تپه فراتر میرود و کل جنبش کارگری و فضای سیاسی در ایران را تحت تاثیر قرار میدهد.

خلع ید از اسدبیگی و باند او یک خواست محوری کارگران در اعتراضات و اعتصابات پیگیرشان در پنج ساله اخیر بود. این خواست در واقع از مطالبات مشخص معیشتی کارگران فراتر می رفت و کل سیستم و سیاست های مدیریت و بساط دزدی و چپاولی که اسدبیگی به همراه باند مقامات محلی و مرکزی همدست خود بر شرکت هفت تپه حاکم کرده بود هدف قرار میداد. هم در سطح مشخص در یک مرکز تولیدی و هم در یک سطح سراسری بعنوان بساطی که در اکثر قریب به اتفاق کارخانه ها و شرکت های تولیدی در ایران برقرار است. کارگران اعتصابی با طرح خلع

ید از یک سو دست به ریشه مسائل مشخص خود می بردند و از سوی دیگر نظام فاسد و دزدسالاری که بر کل جامعه حاکم است را به چالش می کشیدند. این خواست به شکل کوتاه کردن دست بخش خصوصی بیان میشد ولی این به معنای دفاع از بخش دولتی نبود. برخی خرده می گرفتند و هنوز هم این نقد را دارند که خلع ید از بخش خصوصی خواست رادیکالی نیست چون دولت و سرمایه داری دولتی را از زیر تیغ در میبرد. چنین نقدی این واقعیت را نادیده میگیرد که در جمهوری اسلامی بخش خصوصی و دولتی درهم تنیده است تا حدی که خود مقامات دولتی از اقتصاد "خصوصی" صحبت میکنند. اساس این اقتصاد رانت دولتی و سلطه مقامات و وابستگان و آقازاده ها و باندهای مختلف حکومتی، سلطان شکر و سلطان طلا و سلطان سکه و سلطان کاغذ و امثالهم، بر شاخه های مختلف تولید است. در اقتصادی که در آن دکل نفتی گم میشود و یا ۳ میلیون تن فولاد ناپدید میشود، و بیت امام و سرداران سپاه و بسیج و برادران قاچاقچی بر هشتاد

### در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

۱ و ۲ پیروزی هفت تپه و چشم انداز سوسیالیسم. حمید تقوایی

۳، ۴، ۵ و ۶ اهمیت موفقیت کارگران نیشکر هفت تپه در خلع ید اسدبیگی.

شهلا دانشفر و اصغر کریمی

۷ پیام به کارگران قهرمان هفت تپه. حمید تقوایی

۸ و ۹ درباره کمپین دفاع از برادران افکاری. گفتگو با شیوا محبوبی، هرمز

رها و پریسا پوینده

۱۰، ۱۱ و ۱۲ شرایط فاجعه بار افغانستان، چه باید کرد؟ حمید تقوایی

۱۳ اعتراضات به حق و سراسری دانش آموزان را مورد حمایت قرار

دهیم. دانشگاه سنگر آزادی و برابری

۱۴ لیست شماره ۷ کمپین مالی به تلویزیون کانال جدید

۱۵ سیاست نژادپرستانه دولت اسرائیل و جنگ افروزی نیروهای اسلامی

و اسرائیلی محکوم است

۱۶ از مدیای اجتماعی حزب

اطلاعیه های حزب

۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰

ادامه در صفحه ۳

# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

درصد اقتصاد چنگ انداخته اند، بخش خصوصی معنای چندانی ندارد. کارگران هفت تپه نیز در طول اعتصاباتشان مدام بر همین نکته انگشت گذاشته اند و از بند و بست و هم کیسه بودن باند اسدیگی با امام جمعه و فرماندار و دیگر مقامات محلی و مرکزی پرده برداشته اند. اعتصاب هفت تپه برخلاف اعتصابات کارگری در کشورهای صنعتی، فقط علیه کارفرما نبود، بلکه علیه دولت و کل سیستم اقتصادی حاکم بود. در شرایط حاضر کلا جنبش کارگری در اعتراضات و اعتصابات جاری خود سیاست های کلان اقتصادی حکومت را به چالش کشیده است. خواست قطع دست پیمانکاران و واسطه ها، لغو قراردادهای سفید امضا، لغو مناطق ویژه اقتصادی که بویژه در اعتراضات و اعتصابات کارگران نفت شاهد آن هستیم، نمونه هایی از مقابله کارگران با سیاست های کلان اقتصادی دولت است. خواست خلع ید نیز، حتی اگر به شکل خلع ید از بخش خصوصی بیان و مطرح شود، در واقع یک سیاست اقتصادی محوری و پایه ای حکومت را به زیر سؤال برده است. اگر کارفرما و سرمایه داران در بخش خصوصی و دولتی در یک اقتصاد غارت و چپاول و دزدی و قاچاق به هم تنیده شده اند، مبارزه کارگران در هر یک از این دو بخش نیز کل این بساط را به زیر سؤال میبرد. کارگران هفت تپه با خواست خلع ید در واقع کل طبقه کارگر ایران را نمایندگی میکنند.

اما حتی در شکل بیان و طرح این خواست در جریان اعتصاب هفت تپه نیز مخالفت با بخش خصوصی به معنی امتیازدهی به بخش دولتی نبوده و نیست. خواست اداره شورائی جزء مکمل خلع ید است. کارگران از همان ابتدا بر اداره شورائی تاکید داشتند و در جشن پیرویشان نیز به روشنی اعلام کردند که بعد از اسدیگی باید هفت تپه تحت نظارت و کنترل شورای کارگران اداره و مدیریت بشود. اعلام و تاکید بر این خواست

کل مبارزه کارگران را در سطح عالی تر و ریشه ای تری قرار میدهد. اداره شورائی کنترل سرمایه دار به هر شکل، خصوصی و دولتی و حصولی و یا هر شکل دیگری، را ملغی اعلام میکنند. این دیگر صریحا و علنا سلطه طبقه سرمایه دار و دولت آن بر تولید را بزیر سؤال میبرد.

آیا این خواست عملی است؟ برخی این خواست را ذهنی و غیرممکن میدانند. چنین استدلال می شود که بدون تعیین تکلیف سیاسی با طبقه سرمایه دار نمیتواند از اداره کارخانه بوسیله کارگران صحبتی در میان باشد. در یک مقیاس اجتماعی و بعنوان یک سیاست سراسری این نظریه درستی است. اداره و کنترل تولید توسط شوراهای کارگران در یک جامعه مستلزم خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار و در دست گرفتن قدرت سیاسی به وسیله شوراهای است. اما پیروزی در این جنگ از نبردهای بیشتری میگذرد. اعتصاب هفت تپه بر سر خلع ید از یک کارفرمای فاسد و مافیائی، یک نمونه برجسته از چنین نبردهائی است. نبردی که هنوز مالکیت سرمایه داران بر کارخانه ها را زیر سؤال نمی برد، بلکه میخواهد کنترل و مدیریت را در یک واحد تولیدی معین از آنها سلب کند. این امر در جنگ با سرمایه دار در این یا آن واحد تولیدی میتواند متحقق بشود بی آنکه قدرت سیاسی و حتی مالکیت بر وسائل تولید از طبقه سرمایه دار سلب شده باشد.

البته در شرایط متعارف ما با چنین پدیده ای روبرو نیستیم. حتی در رادیکال ترین اعتصابات کارگری در کشورهای غربی و حتی در جوامع نسبتا با ثبات در دیگر نقاط دنیا، خواست در دست گرفتن کنترل و مدیریت کارخانه مطرح نمیشود. کارگران برای تحمیل خواست ها و مطالبات صنفی و معیشتی شان مبارزه میکنند و بسته به شرایط و متناسب با توازن قوا به خواستی میرسند و یا نمی رسند. در شرایط متعارف کسی کنترل

بر تولید بوسیله سرمایه داران را زیر سؤال نمی برد. طرح شعار اداره شورائی در جنبش کارگری خود بیانگر بحران زدگی و ناپایدار بودن و متزلزل بودن نظام سرمایه داری در آن جامعه معین است. متزلزل و بحران زده هم از نظر اقتصادی و هم سیاسی. و این درست وضعیتی است که جمهوری اسلامی با آن مواجه است.

در تاریخ معاصر ایران شعار شوراها یک بار در اولین سالهای بعد از انقلاب ۵۷ وسیعا در جنبش کارگری و در کل جامعه مطرح و در بسیاری از کارخانه ها عملی شد و بوسیله ضد انقلاب تازه بقدرت رسیده سرکوب شد. امروز هم طرح شعار اداره شورائی نشانه انقلابی است که از راه میرسد. روشن است که نمیتواند قدرت سیاسی در دست طبقه سرمایه دار باشد و کنترل و مدیریت تولید در دست کارگران. این وضعیت بینابینی باید بالاخره از یکسو به فرجام برسد. یا خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار و یا سلب کنترل تولید از کارگران حتی در یک واحد. در شرایط امروز جامعه ایران روند تحولات به سمت خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار به پیش میرود. حتی اگر اداره شورائی در هفت تپه برقرار نشود، نفس پیروزی جنبش خلع ید در این واحد تولیدی نوید بخش طوفانی است که از راه میرسد.

از این نقطه نظر پیروزی هفت تپه اهمیت و جایگاه استراتژیکی پیدا میکند. پیروزی جنبش خلع ید به معنی شکسته شدن یک اصل پایه ای نظم سرمایه است. اصل مالکیت و کنترل تولید بوسیله طبقه سرمایه دار و حکومتش. هفت تپه تا همین جا، و مستقل از اینکه اداره شورائی در آن برقرار بشود و یا نشود، این اصل مقدس سرمایه داری را نفی کرده است. و طرح اداره شورائی نفی دولت مافوق مردم و اداره امور بدست خود مردم را نداعی میکند. خلع ید از اسدیگی میتواند در همین حد، یعنی خلع ید از یک کارفرمای معین، محدود بماند و جای خود را به اسدیگی دیگری، به شکل دولتی و یا

خصوصی، بدهد اما دستاوردی که قابل بازپس گرفتن نیست پیروزی جنبش خلع ید و تاکید بر اداره شورائی در پی بیش از پنج سال اعتصابات متوالی است.

این پیروزی را نمیتوان از تاریخ حذف کرد. امروز هفت تپه پایتخت اعتصابات جهان نامیده میشود و در این پایتخت تحول بی سابقه ای رخ داده است. کارگران با قدرت اعتصاب و اتحاد خود و در یک نبرد طولانی و پرفراز و نشیب بالاخره توانستند از کارفرمای خود خلع ید کنند. این صرفا تحقق یک مطالبه نیست، پیروزی یک امر و حکم طبقاتی است. این امر و حکم که تولید کنندگان میتوانند کنترل تولید را از دست مفتخوران سرمایه دار خارج کنند. این روح و جوهر پیروزی هفت تپه است.

جشن پیروزی در هفت تپه نماد این روح و جوهر بود. این جشن هم مانند خود پیروزی برجسته و بی سابقه بود. کارگران و خانواده هایشان گرد هم آمدند، به یکدیگر تبریک گفتند، آتش بازی براه انداختند، رهبر محبوب شان را بر دوش گرفتند و با سخنرانی های پرشور در مورد پیروی شیرین خود صحبت کردند. علیه نظام سرمایه داری صحبت کردند، گفتند این پیروزی ثمره اتحاد و همبستگی و مبارزات پیگیر همه کارگران است، گفتند برای دست گرفتن اداره و یا نظارت بر تولید آماده میشوند، بر خواست های دیگرشان و بر بازگرداندن کارگران اخراجی بر سر کار و آزادی سپیده قلیان، یار و حامی کارگران و اعتصاب هفت تپه، تاکید کردند. این جشن پیروزی در عین حال تجدید عهد و اعلام عزم جزم و متحد کارگران برای تحقق همه خواسته هایشان و به خصوص اداره شورائی و در دست گرفتن مدیریت و کنترل تولید بود.

چنین جشن هائی در جنبش کارگری به ندرت اتفاق می افتد. حتی در کشورهای غربی که کارگران متشکل اند و از آزادی های نسبی برخوردارند

کمتر شاهد چنین رویدادهائی هستیم. جشن خلع ید در هفت تپه خود یک نقطه اوج جنبش کارگری و دستاورد دیگری است که نقش تعیین کننده ای در پی بردن کارگران به قدرت خود و اعتلای جنبش کارگری و مبارزات کارگران در سراسر ایران خواهد داشت.

پیروزی هفت تپه در کل فضای سیاسی جامعه نیز تحول مهم و بی نظیری است. این پیروزی را باید در متن تحولات دیگر در چند ماه اخیر قرارداد تا به اهمیت آن در شرایط سیاسی عمومی پی برد. اول مه پرشکوه و رزمنده ای که با جشن عمومی نود و نه درصدی ها با صدور پیام ها و کلیپ ها و بیانیه های پرشور فعالین جنبش های اعتراضی در بزرگداشت روز جهانی کارگر همراه بود، برآمد جنبش دادخواهی و جنبش آزادی زندانیان سیاسی با نقش کلیدی رهبران جنبش کارگری، یکشنبه های اعتراض بازنشستگان، به میدان آمدن و فعال شدن مادران اعدامی ها، اتحاد جنبش و حرکت همبسته کارگران و معلمان و بازنشستگان برای افزایش دستمزدها به بالاتر از ۱۲ میلیون، و حتی گفتمان دست بالا پیدا کردن سوسیالیسم تا بیست سال بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، اهدای جایزه حقوق بشر سال به جعفر عظیم زاده رهبر سرشناس جنبش کارگری و اعلام هفت تپه به عنوان آلترناتیو از سوی رهبران و چهره های شاخص اپوزیسیون راست، اینها همه نمونه هائی از موقعیت هژمونیک طبقه کارگر و افق جامعه شورائی و سوسیالیستی ای است که این طبقه در چشم انداز جامعه قرار میدهد. پیروزی هفت تپه جهش بزرگ و گام بلندی به پیش در این جهت بود. با این پیروزی یک بار دیگر تمام سرها به طرف طبقه ای چرخید که پرچم رهائی جامعه را در مقابل یک حکومت لرزان و بی ثبات و بحران زده بر افراشته است. خلع ید در هفت تپه مقدمه نوید بخش خلع ید در کل جامعه از همه اسدیگی ها و دولت و حاکمیت آنها است.

## اهمیت موفقیت کارگران نیشکر هفت تپه در خلع ید از اسد بیگی مصاحبه برنامه خط رفاه در تلویزیون کانال جدید با شهلا دانشفر و اصغر کریمی



**خلیل کیوان:** کارگران نیشکر هفت تپه بعد از پنج سال جدال و مبارزه بالاخره موفق شدند یکی از خواسته های خود را عملی کنند. کارگران به این مناسبت جشن گرفتند و به مناسبت خلع ید از دارو دسته مافیایی اسدبیگی جمع کردند. شعار دادند، به سخنرانی فعالین و رهبران شان گوش دادند. اهمیت این مسئله در چیست؟ چه تاثیری در موفقیت کارگران نیشکر هفت تپه و جنبش کارگری و همچنین بر فضای سیاسی کشور دارد؟ اداره هفت تپه از این به بعد به چه صورت خواهد بود؟ کارگران چگونه با مخاطرات و دسیسه های بعدی باید خود را آماده کنند و قدم های بعدی چیست؟ در میزگرد امروز به این پرسش ها و پرسش های دیگر پاسخ می دهیم.

شهلا دانشفر! نوزدهم اردیبهشت روز جشن خلع ید در هفت تپه برگزار شد. کارگران با شور فراوان این جشن را برپا کردند. چرا این واقعه تا این حد برای کارگران هفت تپه مهم بود؟ اهمیت آن چه برای کارگران نیشکر هفت تپه و چه برای جنبش کارگری در ایران در چیست؟

**شهلا دانشفر:** قبل از هر چیز تبریک می گویم به کارگران نیشکر هفت تپه و به همه کارگران. در ایران یک سیستمی حاکم است، بخصوص در مراکز کارگری و در سطح جامعه که اساس آن بر رانت خواری و حاکمیت باندهای مافیایی گذاشته شده است. یک نمونه بارز آن نیشکر هفت تپه است. در این سیستم دست کارفرمایان از جمله جایی مثل نیشکر هفت تپه که اسدبیگی سردسته این باند مافیایی بود، زمینه برای هر نوع تعرضی به زندگی و معیشت کارگر باز است. قراردادهای موقت را بر کارگر تحمیل میکنند، برای سودجویی بیشتر فشار کار را تشدید کرده و اخراج ها را شدت میدهند، دستمزد

کنند، دستگیر و زندانی کنند، سناریوی مسخره طراحی سوخته به راه بیندازند و غیره و غیره. در مقابل این تعرضات و دسیسه های هر روزه است که کارگران ایستاده اند. در این جدال کارگر با کل سیستم حاکم و با همه باند ها و دارو و دسته هایش درگیر شده است. و این مساله فقط منحصر به نیشکر هفت تپه نیست، بلکه در هپکو، فولاد اهواز، نفت، معادن و در تمام صنایع و مراکز کارگری وضع از همین قرار است. سیستم حاکم در ایران همین است. بنابراین

وقتی کارگر هفت تپه میگوید میخواهم نیشکر هفت تپه را نجات بدهم درست میگوید. میگوید نجات هفت تپه یعنی نجات زندگی من، درست می گوید. در چنین جدال جانانه ای است که کارگر نیشکر هفت تپه پیروز شده است. ضربه ای کاری به این سیستم چپاول و دزدی زده است. این مبارزات الگویی برای کارگران در مراکز و بخش های مختلف کارگری است. به همین دلیل این پیروزی هم کارگر نیشکر هفت تپه را امروز در موفقیت قدرتمند تری قرار میدهد و هم کل طبقه کارگر و کل جامعه را.

**خلیل کیوان:** بعد از انتشار این خبر خلع ید از اسدبیگی، کارفرما اعلام کرد ابلاغیه ای در این مورد دریافت نکرده است. استاندار و روزنامه هائی که خودشان خبر خلع ید اسدبیگی را از قول دستگاه قضائی گزارش کردند، این خبر را تکذیب کردند. صدا و سیما هم بیکار ننشست و اخبار ضد و نقیضی در این مورد پخش کرد. چرا این همه در هم ریختگی؟ این نشانه چیست؟

**اصغر کریمی:** یک دلیلش همین بهم ریختگی است که شما اشاره کردید. اختلافات زیادی در میان حکومتیان سر این مساله وجود داشت بخشا به این خاطر که تعدادی از

کارگری دارند علیه این بساط دزدی و چپاول می جنگند. دیدیم که اسدبیگی و باندش انواع دسیسه ها را به کار بردند. سعی کردند هفت تپه را کوچک سازی کنند، زمین های آنرا بفروشند و به اجاره بدهند، نوع تولید را عوض کنند، تعدادی از کارگران را اخراج کنند، قراردادهای موقت را موقت کنند، از جمله قراردادهای سه ماهه را یکماه کنند، پرونده سازی امنیتی

اسلامی و کل دستگاه سرکوب هم در خدمت این چپاولگری هاست. بنابراین در چنین سیستمی مالکیت کارخانه به این معنا امر کارگران است و نمی تواند نباشد. کارگر برای اینکه از زندگی اش دفاع کند برای اینکه از معیشتش دفاع کند باید با کل این سیستم در بیفتد و این اتفاقی است که ما در نیشکر هفت تپه شاهدش بودیم. پنج سال است که کارگران این مجتمع

کارگران را با تعویق و قطره چکانی می پردازند، و وقتی هم صدای اعتراض کارگر بلند میشود با نیروی انتظامی، با زندان و با سرکوب روبرو میشود و کل سیستم در خدمت این باند بازی هاست. این باند مافیایی یکسرش به دولت وصل است، یک سرش به مجلس وصل است، یک سرش به قوه قضاییه وصل است و نیروی انتظامی و زندان و صدا و سیما جمهوری

این باند مافیایی یک سرش به دولت وصل است، یک سرش به مجلس وصل است، یک سرش به قوه قضاییه وصل است و نیروی انتظامی و زندان و سیما جمهوری سرکوب هم در خدمت این چپاولگری هاست. بنابراین در چنین سیستمی مالکیت کارخانه به این معنا امر کارگران است و نمی تواند نباشد. کارگر برای اینکه از زندگی اش دفاع کند برای اینکه از معیشتش دفاع کند باید با کل این سیستم در بیفتد و این اتفاقی است که ما در نیشکر هفت تپه شاهدش بودیم.

ادامه از صفحه ۳

## » جای هیچگونه تردیدی باقی نمی ماند که بدون اعتصابات و مبارزات با شکوه این کارگران، رژیم مجبور به خلع ید از اسدبیگی و دارودسته دزد او نمیشد. پوچ تر اینکه کسی بخواهد این موفقیت را که نتیجه مبارزات چندین ساله کارگران نیشکر هفت تپه است را به اتفاقات همین امروز و از جمله مضحکه انتخاباتی که در پیش است ربط دهد.

آنها مثل استاندار خوزستان مستقیماً در مالکیت باند اسدبیگی منافی دارند و هم به این خاطر که کل حکومت نمی خواست در مقابل کارگران عقب نشینی کند. چون میداند که این عقب نشینی مقدمه تعرض بیشتر هم کارگران هفت تپه است و هم کارگران سایر مراکز کارگری. به درست فکر میکنند اگر در هفت تپه کوتاه بیایند و دست بخش خصوصی کوتاه شود کارگران صدها مرکز کارگری دیگر هم با همین خواست کوتاه کردن دست بخش خصوصی جلو می آیند. ولی دلیل مهمتر سیاسی است می خواهند فضا را گل آلود و خاکستری کنند که کارگری که جشن گرفته فکر کند هنوز معلوم نیست هنوز قطعی نشده و احساس پیروزی نکند و همینطور کل جامعه و تشکل ها و مراکز کارگری که هفت تپه بسیار مورد توجه آنها بوده و خود را در شادی کارگران شریک میدانند هم دو دل شوند و بگویند موفقیتی صورت نگرفته و هنوز نتیجه معلوم نیست. کلاً تلاششان این است که این احساس موفقیت را در اذهان کارگران و مردم بشکنند.

**خلیل کیوان:** کارگران هفت تپه در بیانیه خود اعلام کردند که: "رای صادره توسط قوه قضائیه، نه لطف این یا آن، بلکه حاصل اتحاد و ایستادگی و پیگیری و مبارزه پنج ساله ما کارگران هفت تپه است." اما از گوشه و کنار شنیده میشود که اختلافات جناحی و مساله انتخابات ریاست جمهوری در صدور حکم خلع ید از اسدبیگی موثر بوده است. پاسخ شما به این مساله چیست؟

**شهلا دانشفر:** پاسخ من همان پاسخ کارگران نیشکر هفت تپه است. طرح این نوع ارزیابی ها خط زدن روی پنج سال مبارزه جانانه کارگران نیشکر هفت تپه است. مبارزه ای که کارگران برای آن هزینه دادند، دستگیر و زندانی شدند. در زندان مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفتند.

در گرما و سرما تجمع کردند و خانواده هایشان همواره زیر فشار و در عین حال یک پای این اعتراضات بودند. پنج سال مبارزه بی امان، و دیدیم که چگونه مجلس اسلامی به صحنه اعتراض آنان تبدیل شد و این کارگران آنچنان قدرتمند با دارو دسته های مختلف باند مافیای اسدبیگی در افتادند که خود دولت گفت این مساله باید با دخالت هر سه قوا حل و فصل شود. این کارگران همچنین توانستند صدای اعتراض قدرتمند خود را در سطح جامعه و جهان انعکاس دهند و حول گفتمان های آنها جنبش علیه شکنجه و زندان به راه افتاد، جشن علیه دزدی و چپاول راه افتاد. از جمله با مبارزات آنها علیه فساد حاکم گفتمان اداره شورایی به عنوان آلترناتیو مقابل جامعه قرار گرفت و این چنین بود که مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه به گفتمانی همگانی تبدیل شد. بنابراین جای هیچگونه تردیدی باقی نمی ماند که بدون اعتصابات و مبارزات با شکوه این کارگران، رژیم مجبور به خلع ید از اسدبیگی و دارو دسته دزد او نمیشد. پوچ تر اینکه کسی بخواهد این موفقیت را که نتیجه مبارزات چندین ساله کارگران نیشکر هفت تپه است را به اتفاقات همین امروز و از جمله مضحکه انتخاباتی که در پیش است ربط دهد. مضحکه ای که جامعه از قبل مهر باطل را بر آن زده است. در یک کلام اظهار نظرانی که اشاره کردید به معنای خط زدن کل تاریخ درخشان مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است. مبارزاتی که امروز هفت تپه را به سنگر مهم جنبش کارگری تبدیل کرده و خود این کارگران از آن به عنوان

پایتخت اعتصابات جهان یاد میکنند. البته حکومت از این نوع بحث کردنها که اشاره شد بدش نمی آید. بخاطر اینکه روی عقب نشینی اش پرده میکشد. اما میدانیم که در این جدال حکومت عقب نشینی بزرگی کرده و جنبش کارگری قدم بزرگی به جلو برداشته است. حکومت از این نوع تبلیغات و پوشاندن پیشروی های کارگران هفت تپه و جنبش کارگری استقبال میکند.

**خلیل کیوان:** سرنوشت مالکیت نیشکر هفت تپه چه میشود؟ به هر حال از اسدبیگی خلع ید شد.

کارگران الان از مطالباتشان و از اداره شورایی صحبت میکنند. اعلام کرده اند که: "شرکت نیشکر هفت تپه با نظارت شورایی کارگران باید در بخش عمومی - دولتی بماند و یا تماماً توسط کارگران هفت تپه اداره شود." آیا این ممکن است؟

**اصغر کریمی:** مساله کارگران در شرایط فعلی که سرمایه داری حاکم است این نیست که بخواهند مالک کارخانه شوند. می گویند باید از اسدبیگی خلع ید شود و کارخانه به دولت، ولی تحت اداره شورایی، داده شود و رسماً هم در بیانیه شان اعلام کرده اند که نه مالکیت نیمه خصوصی نیمه دولتی و نه مالکیت نهادهای نظامی و نیمه نظامی را نخواهند پذیرفت. البته دولت هم نماینده همین طیف انکل سرمایه دار است اما موقعی که به بخش خصوصی فاسدی منتقل میشود، کارفرما هزار بامبول میزند و حتی همان قانون کار ضد کارگری را هم دور میزند و یا حقوق کارگر را نمیدهد ولی موقعی که دست دولت است کارگران راحت تر میتوانند حقوقشان را سر وقت بگیرند. یا در همان چارچوب محدود قانون می توانند بهتر با اجحافات می میشود مقابله کنند. مساله کارگران ولی اداره شورایی است. می گویند یا ما خودمان شورا درست میکنیم از بخش های مختلف کارخانه نماینده انتخاب می کنیم مجمع عمومی می گیریم، با توده کارگران تبادل نظر می کنیم و کارخانه را اداره می کنیم یا هر مدیری می خواهد دولت بفرستد اما این مدیر باید زیر نظارت کارگران تصمیم گیری

کند، زیر نظر شورای کارگری تصمیم بگیرد و این یکی از خواست های مهم کارگران هفت تپه و سایر مراکز کارگری و کل جامعه است که می گوید نمی خواهیم یک اقلیت مفتخور هر تصمیمی خواست بگیرد و هر بلایی خواست سرمان بیاورد. ما باید نظر بدهیم، دخالت کنیم، حق رای داشته باشیم، ما داریم کار میکنیم و حق داریم که دخالت کنیم و اجازه ندهیم هر کاری خواستند سرمان بیاورند. بنابراین مساله اصلی کارگران، اداره کارخانه به صورت شورایی است و از چند سال قبل که در هفت تپه این شعار مطرح شد مورد استقبال و توجه کل جامعه قرار گرفت و به یک شعار مبارزاتی مهم بخش هایی از جامعه تبدیل شد. و افقی به کل جامعه داد که بعنوان یک شعار استراتژیک به خواست جامعه تبدیل شود هم برای شرایط کنونی و هم برای ساختار جامعه آینده که مراکز کارگری و دانشگاه و مدرسه و کل حکومت به صورت شورایی اداره شود.

**خلیل کیوان:** کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که خلع ید گام اول پیروزی است. این پیروزی چه تأثیری بر ادامه مبارزات آنها دارد. خواست ها و مطالبات فوری آنها کدامند؟

**شهلا دانشفر:** دقیقاً همانطور است که اشاره کردید. خلع ید اولین گام بود. خلع ید یعنی اینکه کارگر مانع باند مافیایی اسدبیگی را کنار زده است تا خواست هایی که در این چند سال برای آنها مبارزه کرده و برایش مشقت و رنج

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

## « اعتصابات کارگران هفت تپه به مساله بسیار پر سر و صدایی تبدیل شد. نه تنها در مراکز کارگری بلکه در مراکز دانشگاهی حمایت های پرشوری از هفت تپه شد. گفتند فرزند کارگرانیم کنارتان می مانیم، از اسماعیل بخشی حمایت کردند و خواهان آزادی او از زندان شدند و هفت تپه شد نماینده کل طبقه کارگر ایران و به همین دلیل پیروزی آنها هم یک پیروزی برای کل طبقه کارگر به حساب می آید. پیروزی کل مردم در مقابل یک حکومت مفت خور به حساب می آید.»

کشیده را جلو بیاورد و پیگیر آنها شود. این پیروزی، اینکه کارگران در چنین سطوحی با بخش های مختلف مافیایی در افتاده و کاری کرده اند که سردسته دزدان در هفت تپه خلع ید شود، کارگران را در چنان موقعیتی قرار میدهد که قدرت خود را می بینند و متحدرتر، سازمان یافته تر، با اعتماد به نفس تر به جلو قدم برداشته و حرکت خواهند کرد و این بسیار مهم است. در عین حال امروز کارگران نیشکر هفته مورد توجه جامعه و مورد حمایت هستند. کارگران نیشکر هفت تپه در قلب مردم جا دارند. مردم هفت تپه را تنها نمی گذارند و این موقعیت اجتماعی این کارگران است که بخاطر مبارزاتشان بدست آورده اند. در همین جشن پیروزی خلع ید حتی در بازار هفت تپه هم آتش بازی شد. مردم جشن گرفتند. خانواده ها در جشن خلع ید شرکت کردند. اینها همه نشانه قدرت این کارگران برای پیگیری خواست هایشان است.

اما خواست ها کدامند؟ یک خواست آنها دائمی شدن قراردادهای کارگران فصلی و کارگران موقت است. بخشی از کارگرانی که در اعتراضات هفت تپه حضور داشتند همین ها هستند. در عین حال کارگران خواستار پرداخت به موقع حقوق ها و حق بیمه شان هستند. ضمن اینکه دو خواست اساسی وجود دارد یکی بازگشت به کار اسماعیل بخشی، خنیفر و همه کارگران اخراجی و پیروزی و جشن بعدی وقتی است که اینها سرکار بازگردند که باز هم موقعیت کارگر هفت تپه را قویتر میکند. نکته دیگر آزادی سپیده قلیان حامی کارگران نیشکر هفت تپه است که بخاطر انعکاس اخبار اعتراضات این کارگران بازداشت شد و بعد هم پنج سال حکم زندان گرفت. در همین جشن هفت تپه پیام کارگران را دیدیم که به حامیان نیشکر هفت تپه و مشخصا سپیده قلیان درود فرستادند و حمایت خود را

عمومی در تمام بخش ها و انتخاب نمایندگان واقعی و آمادگی کامل برای نظارت و اداره شورایی و مقابله با هرگونه دسیسه و تفرقه افکنی ای است. به عبارت روشنتر خلع ید صورت گرفت. حرف کارگران یا گسیل یک نفر از سوی دولت و اداره شرکت تحت نظارت شورایی است و یا سپردن اداره آن به خود کارگران یعنی اداره شورایی. بنابراین باید برای این آماده بود.

در عین حال کارگران با اعلام قاطع اینکه این پیروزی تنها نتیجه اتحاد و ایستادگی و مبارزات خود آنان بوده و نه لطف این یا آن، در واقع دارند گفتمان هایی مثل تشکر از رئیس و قوه قضاییه را کنار میزنند و اجازه نمی دهند که مبارزه شان پشت سر این جناح و آن جناح حکومت کشیده شود. این هوشیاری است که طی این پنج سال مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه شاهدش بوده ایم و این رمز موفقیت آنهاست.

خلاصه تاکیدات من اینست که اولاً باید متحد بود. دوماً بر تصمیم گیری شورایی متکی بود. سوماً نباید اجازه داد مبارزه پشت این جناح و

دنبال کردن سایر خواست هایشان و این جدال ادامه دارد و در نتیجه مهم است که جامعه اعلام کند که همچنان در کنار شما هستیم تا کارگران هفت تپه با نیروی بیشتری بتوانند مبارزه خود را برای سایر خواست هایشان را با موفقیت به پیش ببرند.

خلیل کیوان: این پیروزی یک عقب نشینی بزرگ برای حکومت بود. دارو دسته های حکومتی که در این ماجرا خسارت دیده اند ساکت نمی نشینند و تلاش خواهند کرد که به شکلی عکس العمل نشان دهند. در مقابل دسیسه ها، تفرقه افکنی ها و سیاست سرکوب حکومت چگونه باید آماده شد؟

**شهلا دانشفر:** روشن است که اینها ساکت نخواهند نشست. روشن است که این ضربه سختی به حکومت بوده است و کارگران در همان اولین بیانیه هایشان پاسخ این را دادند که این پیروزی در نتیجه اتحاد و مبارزات قدرتمند ما بوده است و رمز پیروزی ما اتحاد است و باید متحد عمل کنیم. بنابراین اولین تاکید همین است. طبعاً ظرف این اتحاد تصمیم گیری شورایی است. در نتیجه اولین کار همانطور که خود کارگران تاکید کردند تشکیل مجامع

به این خاطر بود که مرزهای ایران را هم درنوردید. برخی از اتحادیه های کارگری از هفت تپه حمایت کردند، بسیاری رسانه ها بارها مبارزات آنها را تحت پوشش قرار دادند و کلاً اعتصابات کارگران هفت تپه به مساله بسیار پر سر و صدایی تبدیل شد. نه تنها در مراکز کارگری بلکه در مراکز دانشگاهی حمایت های پرشوری از هفت تپه شد. گفتند فرزند کارگرانیم کنارتان می مانیم، از اسماعیل بخشی حمایت کردند و خواهان آزادی او از زندان شدند و هفت تپه شد نماینده کل طبقه کارگر ایران و به همین دلیل پیروزی آنها هم یک پیروزی برای کل طبقه کارگر به حساب می آید. پیروزی کل مردم در مقابل یک حکومت مفتخور به حساب می آید. و در نتیجه الان همین موفقیت تاثیر زیادی هم روی بقیه جامعه می گذارد. کل جامعه اعتماد بنفس بیشتری پیدا می کند، سایر مراکز کارگری هم بلند می شوند می گویند ما هم همین خواست را داریم و در عین حال مساله این است که چطور کل جامعه خود را در کنار کارگران هفت تپه بگذارد و همبستگی اش را با آنها تقویت کند. چون تازه شروع کار هفت تپه است تازه به یک خواست شان رسیده اند و زمینه آماده شده برای

از او اعلام داشتند. موفقیت در هر کدام از این خواست ها گام دیگری، این کارگران و کل جنبش کارگری را جلو خواهد برد. کارگران همچنین خواستار واکسیناسیون رایگان و همگانی هستند که در سخنرانی هایشان نیز بر آن تاکید گذاشتند و بالاخره بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران. سیصد پرونده امنیتی برای کارگران تشکیل شده است. اگر این پرونده ها بسته نشود خود آن چماقی بر روی سر کارگران برای پیگیری دیگر مطالباتشان خواهد بود. و کارگر هفت تپه دارد می گوید که با تشکیل مجمع عمومی و تصمیم گیری شورایی و داشتن نظارت شورایی پیگیر خواست هایمان هستیم و در برابر هرگونه تعرضی می ایستیم.

**خلیل کیوان:** روشن است که تاثیر این موفقیت فراتر از نیشکر هفت تپه است. از نیشکر هفت تپه به عنوان سنگر جنبش کارگری و پایتخت اعتصابات جهان یاد میشود. این موفقیت چه تاثیری بر جنبش کارگری دارد؟

**اصغر کریمی:** این چند سال که هفت تپه به عنوان پایتخت اعتصاب جهان نام گرفت

ادامه از صفحه ۵

همه اینها متحدانه ایستادند. عوامل سرکوب جمهوری اسلامی را طرد کردند و گفتند شورای اسلامی این تشکل های حکومتی ربطی به ما کارگران ندارد و ما را نمایندگی نمی کند و خواستار انحلال آن شدند و عملاً آنرا کنار زدند. ایستادند و گفتند ما تصمیم گیری شورایی می کنیم و همین را عملی کردند. بعلاوه هوشیاری در برابر دیگر دسیسه های باند مافیایی اسدیگی که باز هم میبینیم دارند آخرین تقلاهایشان را می کنند. از جمله همینکه کارگران اعلام می کنند نمی گذاریم اموال شرکت از کارخانه خارج شود نشان دهنده این هوشیاری است. همچنین تاکید بر اینکه تمامی بخش های این مجتمع کارگری باید به خواسته هایشان برسند مهم است. از جمله همین

**خلیل کیوان:** گامهای بعدی کدامند؟

**اصغر کریمی:** بخشی را شهلا دانشفر توضیح داد. این جدال تمام نشده و ادامه پیدا میکند چون کارگران خواست های زیادی دارند که هنوز متحقق نشده است و جمهوری

اسلامی هم همینطور که الان در مخدوش کردن خود خبر هم دیدیم، تلاش میکند که به اشکال مختلف از طرح شورای اسلامی یا مالکیت نظامیان و سپاه بر کارخانه میان کارگران تفرقه بیندازد. در نتیجه کارگرانی که توانستند علیرغم مخالفت کل حکومت و باند اسدیگی و مقامات خوزستان و غیره به این موفقیت برسند، نشان دادند که می توانند در مقابل توطئه های بعدی هم بایستند، نشان دادند که قدرتشان را دارند، پنج هزار نفر هستند، مردم با آنها هستند، خانواده ها با آنها هستند و از این شرایط برای تقویت صفوف خودشان استفاده کنند. هم با هوشیاری نگاه کنند که احتمالاً چه سناریوهایی را حکومت در مقابلشان مطرح میکند و برای هر کدام آمادگی داشته باشند و اتحادشان را در مقابل آن حفظ کنند و هم سازماندهی نه تنها در درون کارخانه، یعنی سازماندهی شورایی و مجمع عمومی را جلو ببرند بلکه کل هفت تپه و شوش که کنار کارگران ایستاد را تلاش کنند سازمان بدهند، توجه کل جامعه را به حمایت از خود جلب کنند و جامعه را در حمایت از خودشان آماده نگه دارند. و از طرفی معلمان، کارگران، دانشجویان و بازنشسته ها و تشکل های مختلف هم باید توجه کنند که این جدال ادامه دارد و شرط موفقیت تا آخر کارگران و عقب نشینی حکومت این است که محکم در کنار کارگران هفت تپه بایستند و از آنها حمایت کنند، تا در سایر خواست هایشان هم به موفقیت برسند و بتوانند توطئه ها را خنثی کنند.

آن جناح کشیده شود و صف متحد مبارزه کارگران در هم شکسته شود و بالاخره همانطور که خود کارگران اذعان دارند مسئله خلع ید از اسدیگی اولین گام پیروزی و شروع کار است و با اتکاء به این موفقیت باید و می توان پیگیر دیگر مطالبات شد. جمهوری اسلامی سعی میکند با انواع دسیسه ها در میان کارگران شکاف ایجاد کند. از جمله در دور قبل دیدیم که شورای اسلامی را علم کرد تا کنترل اوضاع را در دست داشته باشد و در میان کارگران تفرقه افکنی کند. همچنین به سرکوب و پرونده سازی و توطئه گری علیه فعالین و همه اینها متوسل شد. اما چیزی که توانست کارگران را متحد نگاه دارد این بود که کارگران در مقابل



## پیام به کارگران قهرمان هفت تپه:

# جشن خلع ید، جشن طبقه کارگر علیه کل نظام سرمایه داری است



« این جشن طبقه کارگر علیه کل نظام سرمایه داری است و این روز میتواند مثل اول ماه مه در تاریخ ثبت و بزرگ داشته بشود. »

با گرمترین سلام ها و درودها به شما کارگران مبارز نیشکر هفت تپه!

دستاوردها و پیروزی مهم شما در خلع ید از دارودسته مافیائی حاکم بر نیشکر هفت تپه را تبریک می گویم.

این پیروزی ثمره مبارزات و اعتصابات پیگیر و قهرمانانه شما است. این پیروزی تنها شما کارگران هفت تپه نیست بلکه پیروزی کل طبقه کارگر در ایران است. گفتمانی به راه انداخته اند که گویا این بخاطر لطف این یا آن مقام بوده است، گویا ناشی از دعوای جناحی است، و یا برای زمینه سازی انتخابات این تصمیم گرفته شده است. روشن است که اینطور نیست. تردید نداشته باشید که بدون اعتصابات و مبارزات شما رژیم مجبور نمیشد که اسدیگی و دارو دسته دزد او را کنار بگذارد. این دستاورد شما است و باید با اتکا بر آن قدمهای بیشتری بردارید، به مبارزه و به اعتراضات خودتان ادامه بدهید تا تمام خواستههای یر حقتان متحقق بشود.

همانطور که به درست اعلام کرده اید نباید بجای باند اسدیگی باند مافیائی دیگری، حال خصوصی و یا دولتی و "خصولتی" و یا نیمه دولتی نیمه خصوصی بر هفت تپه حاکم بشود. باید امور را خودتان در دست بگیرید. همانطور که رهبران و پیشروان شما در سخنرانیهای پرشورشان در جشن پیروزی اعلام کردند باید امور کارخانه بدست کارگران سپرده بشود. خواست شما نظارت و اداره شورائی است. مدتهاست این خواست را مطرح کرده اید و خلع ید اولین قدم در این جهت است. نباید دوباره نیشکر هفت تپه را بدست دارودسته های دزد و فاسد دیگری داد. دولتی و یا غیر دولتی شما در برابر کل این

یک بار دیگر این پیروزی را به شما کارگران قهرمان و رزمنده هفت تپه تبریک میگویم و امیدوارم این مبارزه تا تحقق همه خواست های برحق شما، و تا خلع ید کامل، خلع ید سیاسی و اقتصادی، از مفت خوران حاکم در ایران ادامه پیدا کند.

با امید پیروزی

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۰ مه ۲۰۲۱

جشن خلع ید، از هفت تپه فراتر می رود. این جشن طبقه کارگر علیه کل نظام سرمایه داری است و این روز میتواند مثل اول ماه مه در تاریخ ثبت و بزرگ داشته بشود. روزی که کارگران در هفت تپه، در پایتخت اعتصابات جهان، توانستند از سرمایه داری در یک مرکزی تولیدی خلع ید کنند و امور را خودشان بدست بگیرند.

این دستاورد مهمی است برای طبقه کارگر در ایران و برای طبقه کارگر جهانی.

که اعلام کرده اید. بساط چپاول و مفت خوری ایستاده اید.

محور و کلید مسئله بدست گرفتن امور کارخانه بوسیله خود کارگران است. این حرف دل همه کارگران و حرف دل همه مردم به زیر خط فقر رانده شده در ایران هست و شما دارید به نمایندگی از آنها اعلام می کنید که همه امور باید به دست خود مردم سپرده بشود. ما دولت مافوق مردم، ما بخش خصوصی و دولتی، دارودسته اسدیگی ها و امثالهم را نمی خواهیم. مدیریت و اداره کلیه امور مربوط به تولید و امور اجتماعی و سیاسی می تواند و باید به دست خود مردم انجام شود تا همه مردم بتوانند روی آزادی و رهائی را ببینند.

حرکت شما در این جهت هست. خلع ید از کارفرما یکی از پیشروی های مهم جنبش کارگری است بخاطر اینکه مالکیت بر کارخانه ها و بر تولید یک اصل مقدس سرمایه داری در همه جای دنیا است. نمونه هفت تپه یکی از موارد معدودی است که جنبش کارگری در جامعه ای بلند میشود و با خواست خلع ید مبارزه میکند و پیروز میشود و آنرا جشن میگیرد.

اسدیگی فقط کارفرما و مدیر مرکز تولیدی شما نبود. بلکه مظهر کل طبقه سرمایه دار در ایران بود. و شما هم در برابر او کل طبقه کارگر را نمایندگی می کنید. این جنگی است به پهنه سراسر ایران و این مبارزه باید تا خلع ید کامل، خلع ید سیاسی و اقتصادی از مفتخوران حاکم به پیش برود و به پیروزی نهائی برسد.

همانطور که رهبران شما اعلام می کنند اکنون وقت آن است که یک یک خواست هایتان را مطرح کنید و قدم به قدم آنها را بدست بیاورید. مثل بازگرداندن کارگران اخراجی به کار، و آزادی سپیده قلیان که "جرم" اش دفاع و حمایت از مبارزات شماست. باید اعلام کرد که حمایت از مبارزه کارگران جرم نیست، افتخار است. هفت تپه باید با تمام نیرو برای آزادی سپیده قلیان به میدان بیاید. همین طور برای تحقق همه خواست های دیگر مثل ختم پرونده سازی های امنیتی و توقف تعقیب ها و بازداشت ها و دستگیری ها و دیگر مطالبات برحق

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

## درباره کمپین دفاع از برادران افکاری گفتگو با شیوا محبوبی، هرمز رها و پریسا پوینده

**انترناسیونال:** سه نهاد و سازمان معتبر و شناخته شده یعنی کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی کمپینی را تحت عنوان "کمپین دفاع از برادران افکاری" راه اندازی کردند. شما بعنوان مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام لطفا توضیح دهید که چرا و چگونه این کمپین راه افتاد؟

**هرمز رها:** هشت ماه پس از کشتن بیرحمانه نوید افکاری برادران وی یعنی وحید و حبیب افکاری همچنان در اسارت و گروگان رژیم جمهوری اسلامی هستند. این دو برادر به زندان های طولی مدت و هریک به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده‌اند. چندین ماه را در انفرادی و بند در بسته عبرت زندان عادل آباد شیراز تحت شکنجه های مختلف به سر می بردند. وحید در دوران بازجویی تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفت به طوری که دو بار اقدام به خودکشی کرد که هر بار از مرگ نجات یافت. حکومت اسلامی می خواهد این دو زندانی سیاسی را با ضرب و شتم و شکنجه و تهدید جانی در زندان درهم بشکند و آنها را وادار به اعترافات دروغین علیه نوید کند تا تصویر قهرمان بودن نوید را از اذهان مردم ایران و جهان پاک کند. به خاطر داشته باشید که این سه برادر به دنبال اعتراضات تابستان ۹۷ علیه گرانی و خفقان و بی حقوقی دستگیر شدند و میشود گفت که جمهوری اسلامی با اعدام نوید و حالا تحت فشار گذاشتن وحید و حبیب می خواهد از مردم معترض انتقام بگیرد. وحید با انتشار یک فایل صوتی از ما مردم کمک خواسته است. در پاسخ به این درخواست بود که ما تصمیم گرفتیم کمپینی با تمرکز روی این دو زندانی سیاسی شروع کنیم و در یک اقدام هماهنگ اقدامات و فعالیت های متعددی را در جهت آزادی این دو زندانی به

پیش ببریم. همه ما باید صدای خانواده افکاری باشیم و فریاد دادخواهی حبیب و وحید و خانواده مبارز افکاری را به گوش جهانیان برسانیم.

**انترناسیونال:** چرا جمهوری اسلامی برادران افکاری را در زندان نگه داشته و به شیوه های قرون وسطایی با آنها رفتار میکند؟ رژیم اسلامی چه هدفی را در این رابطه تعقیب می کند؟

**پریسا پوینده:** برادران افکاری، وحید و حبیب افکاری، در پی پرونده سازی که از جانب وحید، حبیب و خانواده، غیر واقعی و ساختگی اعلام شده، به همراه نوید افکاری بازداشت شدند. دستگیری، زندان و شکنجه برادران افکاری، ادامه سیاست گروگانگیری جمهوری اسلامی است که سالها به اشکال گوناگونی شاهد آن هستیم. جمهوری اسلامی و قوه قضائیه اش تمام فعالین اجتماعی را سرکوب، زندان و با اتهامات واهی و امنیتی، با احکام طولانی زندان روبرو میکند. اما این تنها یکی از سیاست های جمهوری اسلامی برای ساکت کردن یک جامعه تا بیخ و بن معترض به وضع موجود است. سیاست کثیف و متعلق به دوران بربریت دیگر جمهوری اسلامی، کنترل، فشار مضاعف، تهدید و به گروگان گرفتن خانواده زندانی است. خانواده زندانی را مورد آزار، اذیت های متعدد و تهدید به قصد وادار کردنشان به سکوت قرار میدهند.

آرش صادقی، فعال دانشجویی که اخیرا پس از سالها تحمل زندان، شکنجه، درد و رنج و ابتلا به بیماری سرطان آزاد شد، قبل از آزادی اش، نامه ای خطاب به گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل نوشت که در آن بطور مفصل به سرکوب و معضلاتی که خانواده زندانی سیاسی با آن روبروست، اشاره کرد. او در بخشی از نامه اش نوشته است:

"بنا دارم در نامه ای که خطاب به شما می نویسم کمی عمیق تر و دقیق تر به گونه هایی از شکنجه در ایران که تاکنون پنهان مانده اند، دیده نشده اند، یا نادیده گرفته شده اند و یا اهمیت چندانی به آنها داده نشده است بپردازم. قطعا گزارشات متعددی در طول این سالها در مورد نقض حقوق بشر در حاکمیت جمهوری اسلامی از جمله بازداشت، شکنجه، اعدام فعالین سیاسی و عقیدتی به شما رسیده است. اما شاید از کسانی کمتر شنیده باشید که بخشی از بار سنگین این فشارها را به دوش می کشند. همسران، فرزندان و پدران و مادران این افراد که یک روز با حضور ماموران امنیتی در منزل خود مواجه می شوند روز دیگر برای پیگیری ها سرگردان راهروهای دادگاهها هستند و وقتی حکمها صادر شد همه بار مسئولیت زندگی را بر دوش می کشند."

همچنین صبا کرد افشاری زندانی سیاسی که در اعتراض به دستگیری مادرش راحله از تاریخ ۱۸ اردیبهشت دست به اعتصاب غذا و دارو زده است، در نامه ای بسیار شجاعانه به سرکوب و زندان خانواده زندانیان سیاسی اعتراض کرده و در جائی از نامه اش نوشته است: "اکنون از تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ به خاطر تمام کشتارها، شکنجه ها، عذابها، دل شکستن ها و تهدیدها که نه تنها نثار زندانیان سیاسی می شود، بلکه گریبان گیر خانواده هایشان است، اعلام اعتصاب غذا و دارو کردم و مطالبه ام پایان اعمال فشارها بر روی خانواده زندانیان سیاسی و آزادی مادرم راحله اصل احمدی است."

برادران افکاری هم دقیقا به همین دلایلی که بالاتر گفتیم و امروز خود زندانی سیاسی در صف مقدم جامعه به آن اعتراض دارد، در زندان و تحت شرایط بسیار غیر انسانی ممکن قرار دارند. تحت فشار گذاشتن آنها، انفرادی و

بدترین شکنجه های ممکن تماما و تماما از آن می آید که اعدام نوید افکاری، برادر وحید و حبیب افکاری در جهان مهر دیگری در تثبیت توحش این حکومت بود و برایشان به یک آپروریزی بین المللی تبدیل شد. جمهوری اسلامی قصد دارد انتقام این آپروریزی را از خانواده نوید افکاری بگیرد و این امروز تنها از راه زیر فشار گذاشتن برادرانش در زندان و تهدید آنها به مرگ ممکن است. قصد دارد اینگونه این خانواده را که سمبل مقاومت و مبارزه شدند، بشکند. قصد دارد فعالین و جامعه را مرعوب کند و به خانه برگرداند. اما توفان درو میکند! مردم علیه جنایات اینان شجاعانه ایستاده اند و تمام تلاشهای مذبوحانه شان به موجی علیه خودشان تبدیل شده است. مردم بیشتر به میدان آمده اند و هر کسی با خبر رسانی در مورد برادران افکاری به افشای یک گوشه از جنایات شان میپردازد. در ادامه این فضا همین امروز یکی از هم بندیهای برادران افکاری گفته است:

"قریب به یک هفته در سلولی به نام عبرت بوده ام که برادران افکاری در آن نگهداری می شوند. سلولی به شدت کثیف و بی هیچ روزنه ای. حتی ظرف غذا را در همان توالت باید شست. سلولی که برای بی تابی های اعدامیان قبل از اعدام ساخته شده. به شرایط غیر انسانی برادرانم پایان دهید."

امروز مردم نه تنها بیشتر از پیش به وضعیت برادران افکاری حساسیت نشان میدهند بلکه معترض تر از هر وقت دیگری، خواهان آزادی آنها هستند. اینرا طوفان تویتری همین چند روز پیش در دفاع از برادران افکاری که از پیش برنامه ریزی شده بود و ترند اول تویت فارسی شد، نشان داد.

**انترناسیونال:** جایگاه و اهمیت سیاسی این کمپین در شرایط

سیاسی حاضر چیست و به نظر شما وجود این کمپین تا چه اندازه به آزادی این دو برادر می تواند منجر شود؟

**شیوا محبوبی:** این کمپین به طور عموم در جنبش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، حمایت از خانواده های زندانیان و فشار به رژیم اهمیت ویژه ای دارد. شکنجه و تهدید و صدور احکام طویل المدت برای وحید و حبیب افکاری در ادامه سیاست رژیم جهت تحت فشار گذاشتن فعالین، خانواده اعدام شدگان و زندانیان سیاسی است. اعدام نوید افکاری به رسوایی جهانی برای رژیم تبدیل شد. نوید افکاری یک سمبل جهانی شد. زمانی که نوید افکاری را اعدام کردند مساله بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی برای اولین بار در سطح جهان از سوی ورزشکاران مطرح شد و به نظر من گفتمان بایکوت جمهوری اسلامی در ابعاد وسیع تری مورد توجه قرار گرفت. در ایران و سراسر جهان اعدام نوید و فشار و اذیت و آزار و دستگیری اعضای خانواده افکاری مورد

اعتراض قرار گرفت. مجامع جهانی رژیم را به خاطر اعدام نوید محکوم کردند و عملا کارزاری برای تحریم ورزشی رژیم به راه افتاده است. این اعتراضات فشار وسیع و موثری به رژیم بوده و می باشد. رژیم به هر اقدامی دست زد تا خانواده افکاری را به سکوت وادار کند. این جنایتکاران حتی سعی کردند اجازه گذاشتن سنگ قبر بر مزار نوید را به خانواده اش ندهند و پدرش را دستگیر کردند. تمام این دست و پا زدن های رژیم حاکی از فشار زیادی بود که به دنبال اعدام نوید به رژیم وارد شد.

هم اکنون دنیا شاهد این است که برادران نوید را عملا گروگان گرفته اند تا به خانواده اش فشار بیاورند که شکنجه و به قتل رساندن نوید



## Free Vahid and Habib Afkari

### برادران افکاری را آزاد کنید



## Be the voice of Afkari family

**Vahid** is sentenced to 54 years and 6 months in prison and 74 lashes  
**Habib** is sentenced to 27 years and 3 months in prison and 74 lashes

## Their brother Navid was executed

Their offence: Taking part in an anti-government protest in Iran

## #SaveAfkariBrothers

Campaign in Support of Afkari Brothers

فشار گذاشته است. اخباری دال بر این است که این دو زندانی سیاسی از بند بسته عبرت عادل آباد شیراز به جای دیگری منتقل شده اند و خانواده با آنها ملاقاتی داشته اند. تداوم فشار بر جمهوری اسلامی می تواند نهایتاً رژیم را به زانو در آورد.

جهانیان باید بدانند که مردم ایران در هرجا که هستند علیه توحش و جنایت جمهوری اسلامی ایستاده اند و خواهان سرنگونی این رژیم و آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی هستند.

انترناسیونال: با سیاس از شما

از شکنجه برادران افکاری و خانواده آنها بر دارد و وحید و حبیب را بدون قید و شرط آزاد کند. در همین رابطه هیئتی از کمیته بین المللی علیه اعدام با مقامات وزارت امور خارجه سوئد روز ۲۱ ماه مه اولین دیدار از این نوع را خواهد داشت. ما همگان را دعوت میکنیم که با تهیه و انتشار ویدیو کلیپ هایی کوتاه در حمایت از برادران افکاری و خواست آزادی آنها به این کمپین بیوندند. تلاش ما این است در رسانه های جمعی فارسی زبان و غیر فارسی وضعیت این دو برادر زندانی را مورد توجه قرار دهیم و بیشترین حمایت جهانی را از آنها جلب کنیم تا موجبات آزادی آنها فراهم آورده شود. تشدید فعالیت ها برای نجات برادران افکاری تا همین حالا نیز جمهوری اسلامی را تحت

ویدئو کلیپ از این کمپین حمایت کنند. روز یکشنبه ۱۶ ماه مه یک کنفرانس آنلاینی با شرکت شیوا محبوبی، زرتشت احمدی راغب، حسن نایب هاشم و مینا احدی برگزار خواهیم کرد که از مدیای اجتماعی پخش خواهد شد. مینا احدی که یکی از سازماندهندگان این کمپین هست در برنامه خود در کانال یک در این مورد صحبت کرد و از مردم و خانواده های دادخواه خواست که به هر شکل ممکن از این کمپین حمایت کنند. نامه ای به زبان انگلیسی در دست تهیه داریم که خطاب به جهانیان و مراجع جهانی است. فعالین کمپین با ترتیب دادن ملاقات با مقامات دولت های اروپایی از آنها خواهند خواست که جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند تا رژیم، دست

کمپین قصد دارد با اقدامات جهانی و مستمر، با اتکا به اعتراضات در ایران و سایر کشورها به آزادی برادران افکاری کمک کند.

انترناسیونال: رؤس اقدامات فوری و عملی این کمپین به طور موجز کدام است؟

هرمزرها: نه ماه پیش ما شاهد

جنب و جوش مردم داخل و خارج برای نجات جان نوید افکاری بودیم. جمهوری اسلامی نوید افکاری را پس از ضرب و شتم و شکنجه های وحشیانه به قتل رساند. قتل این جوان آزاده و کشتی گیر خشم و نفرت عمومی را برانگیخت. نوید افکاری به قهرمان مردم تبدیل شد. در خارج و عرصه بین المللی نیز این قتل جنایتکارانه اعتراضات وسیع و گسترده ای را موجب شد. از طریق اعلام کمپین دفاع از برادران افکاری قصد داریم که توجه جهانیان را یک بار دیگر به شرایط اسفبار این دو زندانی سیاسی در اسارت جمهوری اسلامی جلب کنیم. در همین رابطه ما روز ۲۲ ماه می برابر با اول خرداد را بعنوان روز جهانی دفاع از برادران افکاری اعلام کردیم که مردم در داخل بویژه مردم شیراز و همچنین در خارج کشور تجمعات خیابانی و اعتراضی داشته باشند. از همین حالا مردم در شهرها و کشورهای مختلف دنیا در تدارک سازماندهی برای این روز جهانی هستند. در طول این مدت کمپین با صدور چندین اطلاعیه سعی کرده است به مرجعی برای هماهنگی فعالیت ها در جهت آزادی برادران افکاری تبدیل شود. همزمان با اعلام کمپین یک توفان توییتری راه افتاد که هزاران نفر در آن شرکت داشتند و خواهان آزادی وحید و حبیب افکاری شدند. خبر این توفان توییتری و تشدید کارزار جهانی برای آزادی آنها به گوش این دو عزیز در زندان رسیده است و مایه دلگرمی آنها و خانواده شان شده است. در ایران از طریق خانواده های زندانیان سیاسی و دادخواه و همچنین فعالین اجتماعی در پی آن هستیم که که با نوشتن نامه و ارسال

ادامه از صفحه ۸

را افشا نکنند. این فشار رژیم بی نتیجه مانده است چرا که نه تنها خانواده افکاری ساکت نشده اند بلکه وحید افکاری از داخل زندان با مردم دنیا سخن گفته است. دفاع از خانواده افکاری به امر هزاران هزار نفر در ایران و جهان تبدیل شده است.

کمپین دفاع از برادران افکاری در شرایطی آغاز به کار کرده است که در داخل ایران رژیم با اعتراضات مستمر و سازمان یافته روبرو بوده و عملاً تهدید و دستگیری فعالین نتوانسته اعتراضات را به عقب براند. برای مثال علیرغم حمله به اعتراضات بازنشستگان و دستگیرییشان این اعتراضات منسجم تر شده و به یکشنبه های اعتراضی تبدیل شده است؛ علیرغم تهدید و دستگیری فعالین کارگری، امسال اول ماه مه از هر سالی سازمان یافته تر و اعتراضی تر بود؛ علیرغم تهدید خانواده جانبختگان و تلاش برای تخریب خاوران، خانواده های دادخواه با صدایی رساتر اعلام دادخواهی میکنند و تلاش رژیم برای تخریب خاوران با اعتراض جهانی روبرو میشود. در سطح جهانی رژیم بیشتر از هر زمانی به دلیل نقض حقوق انسانی و سرکوب معترضین و اعدام و زندان معترضین محکوم میشود. در این رابطه می توان به گزارش های متعدد از سوی مقامات جهانی در رابطه با سرکوب و شکنجه معترضان در ایران، به تحریم هشت فرمانده سپاه و تحریم زندان فشافویه و رجایی شهر از سوی اتحادیه اروپا، دادگاهی حمید نوری و محکومیت اسدالله اسدی اشاره کرد. کمپین دفاع از برادران افکاری در بستر چنین شرایطی آغاز به کار کرده است. این کمپین برای آزادی وحید و حبیب افکاری تلاش کرده و از روزه این کمپین جنایات و سیاست سرکوب رژیم و فشار به خانواده ها را افشا می کند. این کمپین صدای نوید و خانواده افکاری را هر چه وسیعتر به گوش دنیا می رساند. این

## شرایط فاجعه بار افغانستان: چه باید کرد؟

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی تدوین شده است

« طالبان را دوباره به جلو میرانند تنها با این شرط که از ضدیت با آمریکا دست بکشند و دیگر خودش را ضد آمریکایی تعریف نکنند. نه در رتوریک سیاسی و موضع گیری و نه بخصوص در عمل و جنگ میدانی. محور مذاکرات و توافق با طالبان تنها همین شرط است. اینها یک نوع آل سعود و یک نوع پینوشه ای در افغانستان میخواهند که همراه و دوست کمپ غرب باشد. دولتی که حتی اگر تماما تابع غرب نباشد و با آمریکا عکس نگیرد در هر حال ضد آمریکا و غرب ستیز هم نباشد. چه در سیاست و چه در میدان و مبارزه نظامی. حال با مردم افغانستان چه می کند مسئله دولت آمریکا و متحدینش

نیست و هیچ وقت نبوده است. «

اخیر دوباره به طالبان پرو بال داده اند. هزاران عضو فعال طالبان، از جمله ۵ تن از رهبران این سازمان را، از زندان آزاد کردند و اجازه دادند و کمک کردند که طالبان در دوحه دفتر رسمی داشته باشد و مذاکره با طالبان را شروع کردند.

طالبان را دوباره به جلو میرانند تنها با این شرط که از ضدیت با آمریکا دست بکشند و دیگر خودش را ضد آمریکایی تعریف نکنند. نه در رتوریک سیاسی و موضع گیری و نه بخصوص در عمل و جنگ میدانی. محور مذاکرات و توافق با طالبان تنها همین شرط است. اینها یک نوع آل سعود و یک نوع پینوشه ای در افغانستان میخواهند که همراه و دوست کمپ غرب باشد. دولتی که حتی اگر تماما تابع غرب نباشد و با آمریکا عکس نگیرد در هر حال ضد آمریکا و غرب ستیز هم نباشد. چه در سیاست و چه در میدان و مبارزه نظامی. حال با مردم افغانستان چه می کند مسئله دولت آمریکا و متحدینش نیست و هیچ وقت نبوده است.

ادامه در صفحه ۱۱

به نظر من آمریکا عملا طالبان را دوبار خلق کرد. یک بار در مقابل نفوذ شوروی در دهه هشتاد و بار دوم در ادامه سیاست های نظامی شکست خورده اش بعد از حمله به افغانستان. امروز بعد از بیست سال حضور نظامی و بعد از صرف هزینه های نجومی، در حالی که بیش از ۹۷۰ میلیارد - بنا به برخی منابع بیش از دو هزار میلیارد - دلار صرف حمله و حضور نظامی آمریکا در افغانستان شده است، خودشان اعلام میکنند که این سیاست به نتیجه ای نرسیده و یکی از نافرجام ترین جنگ های دولت آمریکا بوده است. سوالی که امروز در برابر هیات حاکمه آمریکا قرار گرفته این است که برای خروج از این بن بست چه باید بکنند؟ عقل هایشان را روی هم ریخته اند و به این نتیجه رسیده اند که باز به طالبان متوسل بشوند. به نظر آنها تنها قدرتی که میتواند افغانستان را از این حالت نابسامانی و بی ثباتی در بیاورد و زیر یک مشت آهنین و قدرت کوبنده ای دارو دسته های قومی و مذهبی رارام و متحد کند همان طالبان است. به همین دلیل در چندسال

یگانه ابر قدرت بعد از اضمحلال شوروی در جهان بکوبد. دولت آمریکا به این هدف نرسید. نه فقط در افغانستان، بلکه در عراق و در سوریه و کلا در منطقه این سیاست نافرجام ماند و الان موقعیت دولت آمریکا در خاورمیانه، خاورمیانه بزرگ شامل افغانستان و پاکستان، بسیار ضعیف تر از موقعیتی است که حتی در دوره جنگ سرد از آن برخوردار بود.

امروز چین و روسیه در کشورهای سنتاً متعلق به کمپ غرب نفوذ بیشتری دارند، کشورهای مثل ترکیه و حتی تا حدی مصر و کشورهای عربی برخلاف دوره جنگ سرد، ساز خودشان را میزنند و سوریه و جمهوری اسلامی هم که رسماً و علناً به کمپ روسیه- چین متعلق اند. تا آنجا هم که به افغانستان مربوط میشود بعد از بیست سال حضور نظامی آمریکا و نیروهای ناتو، همچنان معلوم نیست قدرت در دست کیست. البته دولت آمریکا همچنان به دنبال تحکیم موقعیت خود در منطقه است و افغانستان در این رابطه یک حلقه کلیدی است.



دارند، چه باید کرد؟ با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

سیاست آمریکا در قبال طالبان در چهار دهه گذشته متغیر بوده است. ابتدا در شکل گیری و آموزش آنها و روی کار آوردنشان نقش کلیدی داشتند. بعد از واقعه سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به برج های دوقلو به این نیرو حمله کردند و آن را ساقط کردند و با آنها در حال جنگ بودند. اکنون سیاست صلح با طالبان و بازگردان آن به قدرت را در دستور دارند. این تغییر رویکردهای ۱۸۰ درجه ای را چگونه میتوان توضیح داد؟

**حمید تقوایی:** به نظر من دولت آمریکا در سه دهه اخیر، از زمان معماری و ایجاد طالبان علیه نفوذ شوروی در دهه هشتاد تا امروز، استراتژی واحدی را دنبال میکنند. استراتژی بسط نفوذ و قدرت خودش را در منطقه. حمله آمریکا به افغانستان به خاطر این بود که در دنیای بعد از جنگ سرد و به بهانه حمله به برج های دوقلو در نیویورک، طبقه حاکمه آمریکایی خواست قدر قدرتی خودش را به رخ دنیا بکشد و در واقع هدف استراتژیک کسب هژمونی از طریق جنگ و از طریق قدرت نظامی، استراتژی هژمونی طلبی میلیتاریستی را دنبال میکرد. این سیاست در دوران بوش پدر شروع شد و بعد از حمله به برج های نیویورک در دوره بوش پسر با حمله به افغانستان و حمله دوم به عراق ادامه پیدا کرد.

جنگ خلیج در ابتدای دهه نود میلادی آغاز این سیاست بود. هدف این استراتژی این بود که آمریکا میخ خودش را بعنوان

**خلیل کیوان:** افغانستان در آستانه یک تحول سیاسی با پیامدهای زیر و رو کننده قرار گرفته است. سیاست آمریکا در قبال طالبان تغییر کرده است. میگویند مسائل افغانستان راه حل نظامی ندارد. رویکرد تازه آمریکا برقراری صلح بین طالبان و جمهوری اسلامی افغانستان و ادغام آنها در یک ساختار حکومتی واحد است. نیروهای نظامی آمریکا و ناتو قرار است تا سپتامبر سال جاری این کشور را ترک کنند.

سال گذشته مذاکرات طالبان و دولت افغانستان در دوحه قطر برگزار شد. در پی این مذاکرات حملات تروریستی طالبان با شدت بیشتری ادامه یافت. قرار بود در ادامه این مذاکرات و توافقات و امتیازاتی که طالبان بدست آورده بود، کنفرانس صلح در استانبول در تاریخ ۱۴ اردیبهشت، ۲۴ آوریل، با میزبانی سازمان ملل و با حضور نمایندگان از چند کشور دیگر برگزار گردد. طالبان اعلام کرد تا خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا در این نشست شرکت نخواهد کرد. نشست به تعویق افتاده است. این وضعیت به کجا خواهد کشید؟ علل تغییر رویکرد آمریکا چیست؟ آیا صلح و آرامش برای افغانستان در راه است؟ آیا طالبان به قدرت باز خواهد گشت و امارت اسلامی خود را برپا خواهد کرد و مصائب کهنه این بار در قالب تازه ای به مردم افغانستان تحمیل خواهد شد؟ نقش قدرت های منطقه ای و از جمله ایران در سیر رویدادهای افغانستان چیست؟ و بالاخره در قبال این اوضاع و مرتجعینی چون طالبان و دولت اسلامی افغانستان که مقدرات امور افغانستان را در دست

ادامه از صفحه ۱۰

دارند ممکن است؟

**حمید تقوایی:** صلیحی در کار نیست. این فقط یک اسم رمز و یک اسم تبلیغاتی برای سناریوی واقعی است که میخواهند اتفاق بیفتند. سناریوی واقعی حتی تشکیل دولت انتقالی نیست. بلکه دادن قدرت بدست طالبان است.

طرحی که الان صحبتش هست را آمریکا طرح شریک کردن یا ادغام طالبان در دولت موجود، یعنی طرح ائتلاف طالبان با احزاب جهادی فی الحال در قدرت در جمهوری اسلامی افغانستان، مینامد. اسمش را گذاشته اند طرح صلح. اما تا همینجا حتی اعلام چنین طرحی کشتار بیشتر مردم بوسیله طالبان را در پی داشته است. صلح از نظر دولت آمریکا به معنی ختم جنگ میان طالبان و نیروهای آمریکایی و ناتواست و نه کشتار تروریستی مردم. در همین چند سال اخیر بعد از اینکه طالبان را به صحنه برگرداندند و بعنوان نیروی سیاسی به رسمیت شناختند و حتی در چند هفته اخیر که بحث کنفرانس استانبول و مذاکره به اصطلاح "صلح" مطرح است نه تنها از بمب گذاری ها و ترورها و آدمکشی های طالبان کم نشده بلکه شدت هم یافته است. دانشگاهها و مدارس دخترانه را منفجر میکنند، اتوبوسها را منفجر میکنند و آمریکا هم به روی مبارک نمی آورد. ظاهرا اینها جزئی از روند صلح است! این در واقع قیمتی است که آمریکا و متحدینش با جان و زندگی مردم افغانستان برای به قدرت برگرداندن طالبان می پردازند.

بطور عملی و واقعی معنای این طرح تحویل تمام قدرت بدست طالبان است. آمریکا و متحدین غربی اش تحت نام صلح میان طالبان و ادغام طالبان در دولت موجود، که هدف به اصطلاح مذاکرات "بین الافغانی" نامیده میشود، عملا راه به قدرت رسیدن طالبان را هموار می کنند. آمریکا میداند کسانی مثل اشرف غنی و کرزای و عبدالله عبدالله و صلاح الدین ربانی و احزاب و جمعیت های قومی قبیله ای پشتو و هزاره و تاجیک و غیره یا شاخه های

مذهبی سنی و شیعه و حنفی و سلفی و امثالهم، نمیتوانند دولت مرکزی نسبتا با ثباتی تشکیل بدهند و اوضاع را کنترل کنند. اینها زمینه را برای اعمال نفوذ بلوک روسیه و چین و جمهوری اسلامی فراهم میکنند. در خاورمیانه ای که دیگر قدرت هژمونیکی وجود ندارد و کاملا متغیر و بی ثبات است هر چیز ممکن است. افغانستان می تواند تماما به کمپ روسیه ملحق شود. نگرانی آمریکا و غرب این هاست.

بنابراین اگر دولتی مثل آل سعود در افغانستان سازمان بدهند که درست مانند عربستان در چارچوب سیاست های کمپ آمریکا باشد - حال با هر مناسباتی با روسیه یا جمهوری اسلامی - آمریکا به هدفش رسیده است. با صرف هزینه ای سرسام آور و بیست سال جنگ و اعزاز و استقرار نیروهای نظامی ناتو نتوانستند به این هدف برسند حالا می خواهند با به جلو راندن مجدد طالبان مشککششان را حل کنند. با طالبان به توافق رسیده اند اما نه بر سر سامان دادن به یک جامعه مدنی و یا دولتی متعارف که طالبان مثل یکی از احزاب حکومتی وارد رقابت های انتخاباتی بشود و در لویا جرگه و دولت حضور بهم برسانند. طالبان اهل این کارها نیست و سناریوی آمریکا هم این نیست. همه هم این را میدانند. طالبان یک نیروی اساسا نظامی و تروریستی و آدمکش است و قدرتش در اینجاست و نه در انتخابات و پارلمان و ائتلاف سیاسی با احزاب دیگر. طالبان از این نظر تفاوتی با داعش ندارد. سناریوی وحدت و ائتلاف احزاب جهادی و طالبان ممکن نیست و آمریکا هم چنین چشم انداز و توقعی ندارد. با این حال به طالبان روی می آوردند با این هدف و انتظار که بتواند یک حکومت قومی - مذهبی قدرتمند و مشت آهنینی باشد که یک ثبات گورستانی برقرار کند اما مانند آل سعود در کمپ غرب باشد. این همه داستان است.

از سوی دیگر نیروهای رقیب طالبان یعنی احزاب و جمعیت ها و دارودسته های جهادی

در حکومت فعلی که خودشان سر تا پا جرثومه فساد و دزدی و چپاول و گرداننده باندهای قاچاق مواد مخدر و غیره هستند، در میان مردم منفورتر از آنند که بتوانند مقاومتی در برابر طالبان سازمان دهند.

الان یکی از موارد اختلاف بین این احزاب و طالبان بر سر اسم نظام است. جمهوری اسلامی، که نام فعلی نظام، یا بهتر است بگوییم بی نظمی، حاکم در افغانستان است، و یا امارات اسلامی؟ یک شرط طالبان در مذاکراتش این است که حتی کلمه جمهوری را بردارید. خواهان تشکیل امارات اسلامی است نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد و آمریکا هم عملا به این اسم رضایت داده است. انتقال از جمهوری اسلامی افغانستان به یک دولت حتی اندکی مدنی تر و کمی غیر مذهبی - غیر قومی تر نیست. برعکس دولت قرار است زیر پرچم سیاه نیروی پشتو - حنفی طالبان یکپارچه بشود.

این سیاست آمریکا هم متعلق به امروز و دیروز نیست. سابقه آن به اولین دوره ریاست جمهوری اوباما بر میگردد. اگر بخاطر داشته باشید اوباما چند ماه بعد از انتخاب شدن در دوره اول ریاست جمهوری اش به مصر سفر کرد و در دانشگاه مذهبی الازهر در قاهره سخنرانی کرد و خطاب به نیروهای اسلامی از هر دو شاخه سنی شیعه گفت مشت های گره کرده تان را باز کنید تا با هم دست بدهیم. امروز دارند با طالبان دست میدهند.

**خلیل کیوان:** مساله افغانستان بازبزرگان منطقه ای هم دارد. ایران همدستی در اوضاع افغانستان دارد. طالبان با جمهوری اسلامی روابط حسنه ای دارد. از تشکیلاتی بنام شورای طالبان در مشهد صحبت میشود. رفت و آمدهای جمهوری اسلامی با طالبان امر پنهانی نیست. تقویت و یا بازگشت طالبان به قدرت چه منفعتی برای جمهوری اسلامی دارد و چه پیامدهایی برای اوضاع سیاسی ایران می تواند داشته باشد؟

**حمید تقوایی:** برای جمهوری

اسلامی طالبان یک شمشیر دولبه است. از یک طرف یک نیروی اسلامی و خواهان امارت اسلامی است و بطور استراتژیک در چارچوب سیاست های حکومت اسلامی ایران قرار میگیرد. از طرف دیگر یک نیروی سنی و نزدیک به عربستان سعودی است. بیشتر به شاخه نوع داعش - القاعده نزدیک است تا شاخه اسلام سیاسی نوع جمهوری اسلامی.

ظاهرا جمهوری اسلامی و طالبان در مقابل شیطان بزرگ همراه و متحد هستند. بویژه جمهوری اسلامی روابط و مذاکراتش با طالبان را اینطور توضیح میدهد. به نظر من مسئله برعکس است! اینکه بعد از به صحنه برگشتن طالبان به وسیله آمریکا، مشخصا از کنفرانس دوحه به بعد، جمهوری اسلامی نزدیک تر به طالبان شد به دلیل تشدید ضديت با شیطان بزرگ نبود، بلکه برعکس تنظیم سیاست خود با خط آمریکا در افغانستان بود. جمهوری اسلامی بعد از شروع مذاکرات آمریکا و احزاب جهادی حاکم در افغانستان با طالبان فضا را مناسب دید که هم از یکسو اسلامیتش و حمایت از برادران طالبان را به رخ بکشد و هم از سوی دیگر در چارچوب سیاست های آمریکا عمل کند. البته این دومی را عنوان نمی کنند و طالبان را هنوز به عنوان دشمن شیطان بزرگ معرفی میکنند ولی این نیرو را دوباره خود شیطان بزرگ وارد میدان کرده و به صحنه سیاسی بازگردانده است.

بنابراین این نوع عکس گرفتن با طالبان برای جمهوری اسلامی نه تنها مشکل دیپلماتیک دیگری در رابطه با غرب ایجاد نخواهد کرد، بلکه میتواند به نوعی چراغ سبز برای احیای برجام و رابطه با غرب محسوب بشود. وقتی خود آمریکا با طالبان بر سر میز مذاکره می نشیند طبعاً مذاکره جمهوری اسلامی با طالبان نیز نمیتواند مسئله ای ایجاد کند.

اما به نظر من مستقل از این بازی ای که شروع کرده اند دوره طالبان دهه هشتاد دیگر قابل تکرار نیست. آمریکا و

این اساس بازگشت طالبان است. خیلی روشن می بینیم که از همان کنفرانس دوحه دولت آمریکا شروع کرد به دوباره مطرح کردن طالبان. طالبان تمام شده بود. حداکثر میتوانست موقعیتی شبیه داعش پیدا کند. همانطور که داعش را از خلافت موصل خلع کردند و حاشیه ای اش کردند، طالبان را هم می توانستند کاملا به حاشیه برانند. ولی آمریکا برعکس فرس زبر پایشان پهن کرد. رهبران شان را از گوانتانامو و فعالینشان را از زندان پاکستان آزاد کرد و دوباره به میدان کشاند. الان طالبان دوباره تبدیل شده به یک نیروی سیاسی مدعی که میگوید تا نیروهای آمریکا از افغانستان بیرون نرود حتی مذاکره هم نمیکنم. این وضعیتی است که با آن روبرو هستیم.

**خلیل کیوان:** کنفرانس استانبول که قرار بود هفته قبل برگزار بشود ولی به عقب افتاد بدنبال دست یافتن به "طرح دولت انتقالی برای صلح" است. ادعا میشود که این کنفرانس در پی تدوین قانون اساسی آینده، حکومت انتقالی صلح و سرانجام چگونگی آتش بس است. برخی این کنفرانس را با کنفرانس بن که ۲۰ سال قبل در پی سقوط طالبان برگزار شد مقایسه میکنند که نتیجه اش را دیدیم. آیا صلح یا دستجاتی که ارکان وجودی آنها اسلامی و قومی است و بر تروریسم اتکا

ادامه از صفحه ۱۱

غرب، طالبان را با این امید و با این خیال که میتواند بعنوان یک مشت آهنین همه چیز را کنترل کند بر میگرددند ولی عملاً چنین چیزی ممکن نیست. شرایط سیاسی در منطقه چنین اجازه ای نمیدهد. از این نظر هم نهایتاً چیزی عاید جمهوری اسلامی نخواهد شد. حکومت اسلامی در ایران بحران عمیق و همه جانبه خودش را دارد و با این مانورهای دیپلماتیک نمیتواند در این بحران حتی تخفیفی بدهد.

**خلیل کیوان:** بازیگران فعلی صحنه سیاسی افغانستان اسلامی ها و قوم گرایان و دستجات نظامی و تروریستی آنها و همچنین متحدین بین المللی و منطقه ای آن هستند. در حالیکه قربانیان این اوضاع مردم افغانستان اند. در قبال این اوضاع چه میتوان کرد؟ چه راه کاری برای این اوضاع متصور است. چگونه مردم میتوانند بر روندهای فعلی تاثیر بگذارند و افغانستان را از پرتگاه اتحاد طالبان و دولت اسلامی فعلی و آینده ترسانگی که رقم میزنند، دور کنند؟

**حمید تقوائی:** ابتدا باید این تصویرسازی ای که از جامعه افغانستان شده را قبول نکرد. باید آنرا کنار زد و افشا کرد. این تصویر که گویا افغانستان جامعه ای است اسلامی و قومی قبیله ای متشکل از سنی و شیعه و حنفی و سلفی و تاجیک و هزاره و پشتو و غیره. و گویا تنها راه این است که شیوخ و سران قبایل را فراخواند و دور هم نشاند و دولت نوع لویا جرگه ای تشکیل داد. گویا مردم خواهان چنین دولتی هستند و سنت و فرهنگشان چنین حکومتی را ایجاب میکند. اینها را باید نقد و افشا کرد. حقیقت عکس این است. در عراق هم همین بساط را به راه انداختند. در عراق هم یک دولت کرد عرب شیعه سنی درست کردند، پست نخست وزیر و رئیس مجلس و رئیس جمهور را بین اینها تقسیم کردند و نتیجه را امروز می بینید. بیشتر از دو سال است که مردم با شعار "ته قومی، نه مذهبی، دولت مدنی" به خیابان ریخته اند.

در افغانستان هم این رویگردانی مردم از حکومت های قومی مذهبی را مشاهده میکنید. در آخرین انتخابات که در افغانستان برگزار کردند و بالاخره به انتخاب اشرف غنی منجر شد از ۲۸ میلیون نفر جمعیت افغانستان تنها ۹۰۰ هزار نفر رای دادند. اکثریت عظیم مردم از احزاب و دستجات حاکم متنفرند. اگر دزدیها و فساد و مافیای اقتصادی که دارودسته ها حاکم به راه انداخته اند نبود با این وضعیت فاجعه بار در افغانستان روبرو نمی بودیم. آمریکا در عراق با اتکا به نیروهای اسلامی و قومی قبیله ای همان جنس سیاست و اقداماتی را دنبال کرده است که طالبان با اسلحه و اقدامات تروریستی انجام میدهد. اینها ماهیتا یکسان هستند و مردم به همه اینها بی اعتماد هستند. طالبان وحشی ترین و هارترین آنها است ولی نیروهای لویا جرگه هم عملاً فرق چندانی با طالبان ندارند. همین پیشرفت های نسبی و نیم بندی هم که در دوره بعد از سقوط طالبان ایجاد شده به قدرت مردم بوده است. در افغانستان جمعیت ها و گروه های دفاع از حقوق زنان و طرفدار جامعه مدنی و مدرن فعال هستند، مردم خواهان آزادی و و حقوق مدنی و پایه ای خود هستند و می بینند حکومت فعلی و آمریکا و احزاب جهادی آنها را نمایندگی نمیکند. برعکس دولت آمریکا حکومتی از شیوخ و اقوام سر هم کرده است که خصلت برجسته و تمام کارنامه شان دزدیدن و چاپیدن مردم و بازار قاچاق و مافیای مواد مخدر است و بس.

کلید حل مسئله چیست؟ کلید مسئله رجوع به خود مردم است. پاسخ این است که اولاً تمام نیروهای ناتو باید از افغانستان بیرون بروند و جای خود را به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل بدهند. ثانیاً برای تعیین آینده افغانستان باید به رای مردم رجوع کرد. در یک همه پرسی مردم اعلام کنند که آیا یک دولت مدنی و سکولار و مدرن میخواهند و یا یک دولت قومی مذهبی چه از نوع احزاب جهادی حاکم و چه از نوع طالبان. برای اینکه این همه

پرسی عملی بشود باید نیروهای صلح سازمان ملل، کلاه آبی ها، به میدان بیایند و اوضاع را کنترل کنند.

در یک سطح پایه ای، رهائی افغانستان از جهنم فعلی مستلزم آنست که توده مردم متحد و متشکل بشوند و با اهداف و خواست های انسانیشان به میدان بیایند و کل این بساط را درهم بریزند. ولی در شرایط حاضر متأسفانه حزب و نیروی سیاسی متشکلی که بتواند چنین بسیج توده ای را سازمان بدهد، چنین انقلابی را علیه همه نیروهای اسلامی، چه متحد آمریکا و چه مخالف آمریکا، سازمان بدهد و به پیش برود وجود ندارد. ولی این را به عنوان یک گفتار، به عنوان یک اصل و جهت گیری و یک خواست فوری میشود مطرح کرد که به مردم افغانستان رجوع کنید. میشود مطرح کرد که نیروهای صلح سازمان ملل را در افغانستان مستقر کنید و این نیروها یک همه پرسی آزاد را با شرکت همه مردم تضمین کنند. مطمئن باشید اگر چنین رفتاردومی صورت بگیرد بجای ۹۰۰ هزار نفر ۲۰ میلیون نفر در این نظر پرسی شرکت خواهند کرد. مردم جهت دارند و میدانند چه می خواهند. مردم خواست و آمل روشنی دارند و این را بارها اعلام کرده اند. مردم متنفرند هم از طالبان و هم از احزاب جهادی حاکم. و چنین همه پرسی ای می تواند این واقعیت را در برابر چشم همه قرار بدهد.

این به نظر من طرحی است که می تواند راه نجاتی از این شرایط باشد.

**خلیل کیوان:** رفتاردوم در کشوری که دستخوش جنگ و تروریسم است چطور ممکن است عملی شود؟ اولین چیزی که بنظر میرسد این است که طالبان و دولت اسلامی که قدرت نظامی دارند اجازه برگزاری رفتاردوم را نخواهند داد. ضمانت اجرایی ندارد. بنابراین طرح این مسئله چه خاصیت و تأثیری در اوضاع دارد؟

**حمید تقوائی:** این طرح دو جنبه دارد. یک جنبه عملی دارد که

پایین تر توضیح می دهم و یک جنبه سیاسی و جهت گیری. از این جنبه دوم این طرح مهم است چون پرچی را بلند میکند و گفتمانی را شروع میکند که توجه زیادی را در افغانستان و در سطح جهان می تواند به خود جلب کند. این طرح هم از مردم افغانستان در آن کشور، هم از مهاجرین افغانی در کشورهای دیگر، و هم از جامعه بین المللی می تواند نیرو جمع کند و نیرو بسیج کند. میتواند تبدیل بشود به یک عامل و ابزار فشار به دولت های غربی و بر نهادهای بین المللی.

از نظر عملی بیست سال است با صرف هزینه هزاران میلیارد دلاری افغانستان را به این روز انداخته اند. آیا نمیتوانند در عرض دو سه ماه با یک هزاردی میلیارد که بشود یک همه پرسی سازمان داد؟ مسلماً می توانند!

می توانند اما نمی خواهند. ببینید، دولت آمریکا و متحدینش تصمیم گرفتند داعش را جمع کنند و جمع کردند. البته داعش هنوز فعال است و عملیات تروریستی انجام میدهد ولی به عنوان یک نیروی تروریستی زیرزمینی مثل نیروهای دیگر اسلامی. دیگر از خلافت اسلامی عراق و سوریه و شام و چنین ادعاهائی خبری نیست. تماش کنید. حالا از پس طالبانی که خودشان بزرگش کرده اند نمی توانند بر بیایند؟! خودشان آنرا به جلو رانده اند، خودشان می توانند برکنارش کنند. میتوانند مذاکرات را قطع کنند و اعلام کنند با چنین نیروی تروریستی مذاکره ای نداریم. میتوانند سران طالبان را که از زندان آزاد کردند و برایشان دفتر رسمی در قطر غلم کردند دوباره بگیرند و به زندان بیاورند. می توانند این کار را بکنند، مساله این است که اراده و خواست سیاسی اش وجود ندارد.

این خواست و تصمیم سیاسی را با قدرت مردم در افغانستان و در دنیا میشود به دولت آمریکا و متحدینش تحمیل کرد. باید معلوم شود که صدای دیگری هم هست. راه حلی دیگری هم هست. فرض کنید اگر فعالین جنبش زنان و جنبش های مدنی

و مترقی دیگر در افغانستان که کم هم نیستند، و تعدادی از آنها با برنامه باهم در کانال جدید مصاحبه میکنند، اگر مدافعین حقوق بشر، مدافعین مدرنیسم و جامعه سکولار در سراسر دنیا بیایند پشت این طرح و بگویند رفتاردوم کنید و اگر فوراً ممکن نیست در یک مدت چند ماهه شرایطش را فراهم کنید، این طرح را میتوان به دولت هائی که افغانستان را به این روز انداخته اند تحمیل کرد. میتوان نیروی مردم را به میدان کشید و دست طالبان و احزاب جهادی حاکم را قطع کرد. اولین قدم اینست که به جای تانگوی سیاسی با طالبان از مردم سؤال کنند چه نوع حکومتی می خواهند. همه میدانند که مردم با طالبان و احزاب جهادی و امثال اشرف غنی و کرزای مخالف هستند. آنترناتیوی به مردم بدهید. بپرسید دولت سکولار و مدرن می خواهید - از نوع دولتی که مردم عراق در شعارهای خیابانی خواهان آن هستند - و یا یک دولت نوع لویا جرگه و طالبان. مطمئن باشید بیش از ۹۰ درصد مردم افغانستان دولت مدرن و سکولار را انتخاب خواهند کرد و بعد از این نظر پرسی، احزاب و نیروهای سکولار می توانند در انتخابات رقابت کنند و دولت تشکیل دهند.

اساس مساله این است که دولت آمریکا این را نمی خواهد، دولت های غربی چنین سیاستی ندارند. این را میدانیم اما بحث بر سر دولت ها نیست. بحث بر سر بسیج نیروی مردم است. نیروئی که به سازمان ملل، به دولت های غربی، و به هر نهادی که کوچکترین ادعای دفاع از حقوق بشر دارد، تحمیل کند که این طرح را در دستور بگذارند.

به نظر من این طرح می تواند لاقلاً یک گفتار و پرچم و سیاست و هدفی باشد برای بسیج کردن و سازمان دادن و به میدان آوردن نیروهای مترقی و پیشرو در جهان و در افغانستان علیه کل این بساط مذهبی و فوق ارتجاعی و تروریستی که در آن کشور برپا کرده اند. این می تواند نقطه شروعی باشد.

## اعتراضات به حق و سراسری دانش‌آموزان را مورد حمایت قرار دهیم!



در حالی که فضای سیاسی جامعه از خشم و اعتراض همه جانبه به جمهوری اسلامی و توسط بخش های مختلف جامعه به خود می جوشد، ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ که مظهر شکوهمند اعتراضات روز جهانی کارگر بود، در عین حال نقطه آغاز شروع اعتراضاتی سراسری در جامعه ایران بود که چنین کیفیتی از آن پیشتر هرگز دیده نشده بود؛ یعنی تجمعات هزاران نفره دانش آموزان مقطع نهم و دوازدهم در دهها شهر و با خواست مشترک و اولیه لغو فوری امتحانات حضوری.

اما قبل از هر گونه بررسی کیفی و محتوایی اعتراضات دانش آموزان، بهتر است نگاهی به وسعت این پدیده بی اندازیم که به نظر می رسد بعد از گذشت یک هفته در حال بزرگتر شدن نیز می باشد. اعتراضات انجام شده به توالی تاریخی و بر مبنای شهرهای انجام شده به شرح زیر هستند:

**شنبه ۱۱ اردیبهشت:**

**اصفهان، شاهین شهر**

**دوشنبه ۱۳ اردیبهشت:**

**قزوین، شهرکرد، گلپایگان**

**چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت:**

**بروجرد، تهران،**

**قزوین، سمنان، کرج،**

**شیراز، زنجان، خرم**

**آباد، یزد، تبریز،**

**بیرجند، یزد، اردبیل،**

**فولادشهر**

**شنبه ۱۸ اردیبهشت:**

**کرمان، ایلام، همدان**

خواستار تامین واکسن فوری و همگانی و رایگان توسط دولت هستند که تهدیدات جانی از همه شهروندان برطرف شود. آنها به آموزش نابرابر، پولی و بی کیفیت موجود در سطح جامعه اعتراض دارند و خواستار ایجاد تغییرات جدی در نظام آموزشی هستند. در عین حال دانش آموزان می خواهند که دست مافیای کنکور و امتحانات و همه کسانی که با حمایت دولت آینده دانش آموزان را به کیسه های پول خود تبدیل کرده اند، از سیستم آموزشی کوتاه شود.

**دانشگاه سنکر آزادی و برابری**

۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰  
مه ۹ ۲۰۲۱

حمایت و توجه همه تشکل ها، نهادها و سازمان های صنفی و سیاسی و نیز مجموعه گسترده رسانه های خبری قرار گیرد. همچنین اینکه اعتراض حق همه شهروندان و از جمله دانش آموزان است و جمهوری اسلامی حق ندارد به هیچ وجهی تجمعات و اعتراضات دانش آموزان را مورد حمله قرار دهد؛ اول به این دلیل که اعتراض حق آنها است و دوم به این خاطر که حمله به کودکان و نوجوانان به جرم اعتراض، از شنیع ترین اقداماتی است که می تواند از یک حکومت سر زند.

با این وجود با بررسی دقیقتر فضای اعتراضی موجود میان دانش آموزان می توان به وضوح دید که خواسته ها و مطالبات آنها فراتر از صرف لغو امتحانات حضوری می رود و ابعاد تازه ای به خود می گیرد. آنها در عین حال

دانش آموزان نیز تاکنون از همان فرمول عمومی تبعیت کرده اند که سایر جنبش های اعتراضی به کار می گیرند؛ یعنی تعیین اهداف و مطالبات مورد اعتراض، ایجاد هماهنگی و صدور فراخوان ها در شبکه های اجتماعی و نهایتاً برگزاری تجمعات اعتراضی در برابر ساختمان آموزش و پرورش شهرها. خواست ها و مطالبات آنها نیز گرچه ابعاد وسیعتری دارد، اما در وهله نخست به لغو فوری امتحانات حضوری مربوط می شود که در شعارهایی نظیر "امتحان حضوری نمیخوایم" یا "امتحان حضوری با کرونا نمیشه" انعکاس می یابد.

تا همین جا می توان به سادگی تشخیص داد که خواسته دانش آموزان برای برگزاری امتحانات حضوری در دل وضعیت وخیم شیوع کرونا در کشور تا چه میزان حقایقیت دارد و باید مورد

در جریان تجمعات اعتراضی روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه که عملاً نقطه اوج تاکنونی اعتراضات بوده، نیروی انتظامی و سایر ارگان های سرکوب در شهرهایی نظیر یزد با باتوم و اسپری فلفل به دانش آموزان حمله می کنند. این اقدام نیروهای سرکوب حکومت موجب ایجاد خشم عمومی و جلب توجه بیشتری به مطالبات دانش آموزان شد. تا این لحظه بسیاری از تشکل ها و نهادها به محکومیت رویکرد قهرآمیز حاکمیت نسبت به دانش آموزان پرداخته اند و آن را به مصداق بربریت حکومت تشبیه کرده اند؛ از جمله کانون صنفی فرهنگیان گیلان، کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز، انجمن صنفی فرهنگیان سقز و زیویه، انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی و ...

از نقطه نظر شکل سازمان یابی تجمعات،

## یاری کنید پوشش تلویزیون آزادی، برابری و رفاه را گسترش دهید!

کمک های خود را میتوانید به شماره حساب های زیر واریز کنید و یا به واحدهای حزب در شهر خود بپردازید و با یادداشتی ما را از کمک خود مطلع نمایید:

کانال جدید این تریبون تک تک شما آزادیخواهان، این صدای اعتراض و همبستگی کارگران، زنان و جوانان در ایران، تلویزیونی که ۱۷ سال است ۲۴ ساعته برای رهایی و آزادی و انسانیت و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی برنامه پخش میکند، برای هرچه گسترده تر کردن پوشش خود علاوه بر ماهواره "پاه ست"، از ماهواره "یوتل ست" نیز شروع به پخش برنامه کرده است. رفتن بر ماهواره "یوتل ست" و بودن همزمان بر دو ماهواره امکان میدهد که

بخش های بسیار بیشتری از مردم ایران و منطقه و همچنین ایرانیان ساکن اروپا به کانال جدید دسترسی داشته باشند. انجام این مهم، همچون تامین هزینه های سنگین یک تلویزیون ۲۴ ساعته در تمام این ۱۷ سال، بدون کمک و یاری شما مردم شریف و آزادیخواه ممکن نبوده و نخواهد بود. لذا دست یاری بسوی شما دراز میکنیم.

بدینوسیله کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار جهت تامین هزینه های انتقال کانال جدید به ماهواره دوم (یوتل ست) را اعلام میکنیم. هدف ما این است که این مبلغ را در عرض یک ماه جمع کنیم. از همه شما مردم آزادیخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هر نوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی خود را به دست ما برسانید.

تلویزیون کانال جدید  
۵ فروردین ۱۴۰۰ (۲۵)  
مارس ۲۰۲۱

## کمک مالی به کانال جدید

لیست شماره ۷

همانطور که در لیست شماره ۶ اطلاع دادیم در پاسخ به فراخوان کانال جدید مبلغ ۵۸۹۴۰ دلار جمع آوری شد. در طول چند روز گذشته ۶۳۰ دلار دیگر به مبلغ فوق اضافه شد به این ترتیب مجموع کمک مالی جمع آوری شده در پاسخ به این فراخوان به ۵۹۴۰۰ دلار رسید.

ضمن قدردانی از همه عزیزانی که به این فراخوان پاسخ دادند، دوستاناران کانال جدید و همه انسان های آزاده و مخالف حکومت را به تداوم کمک مالی به کانال جدید فرامیخوانیم.

محمد هوشمند ۲۰۰ دلار

ایرج رضایی ۱۰۰ دلار

مسعود آذر نوش ۱۰۰ دلار

فرح آزاد ۵۰ دلار

آرمان آزاد ۵۰ دلار

ناصر اصغری ۵۰ دلار

بهرام اوتواوا ۵۰ دلار

پویا حقیقت جو ۳۰ دلار

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی  
سوئد:

Sweden  
Kontonr: 4122379-3 SEK  
Bankkontonr: 9960 2641 223 793  
Kontoslag: PLUSGIROKONTO  
FÖRETAG  
IBAN: SE 10 9500 0099 6026 4122 3793

Swish number  
1234302402

و یا سویس:

Germany  
M. Eli  
Commerzbank  
Kontonr: 727634800  
BLZ: 60040071  
IBAN: DE84600400710727634800  
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

آلمان:

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

United kingdom  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981  
BIC: NWBK GB 2L

انگلیس:

سوالی دارید میتوانید با شماره زیر تماس بگیرید:  
واتس آپ - سیگنال و تلگرام

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

جمع کمک تاکنونی  
۵۹۴۰۰

## سیاست نژادپرستانه دولت اسرائیل و جنگ افروزی نیروهای اسلامی و اسرائیلی محکوم است



طی روزهای اخیر بار دیگر جنگ و کشتار مردم غیر نظامی و بی دفاع در فلسطین و اسرائیل به جریان افتاده است. از یک طرف ارتش اسرائیل پی در پی مناطق مسکونی را در غزه بمباران میکند و خانه‌ها را بر سر مردم خراب میکند، و در مقابل سازمان اسلامی حماس با موشک پرانی به مناطق مسکونی شماری از مردم را به قتل رسانده است و این جنگ و جنایات همچنان ادامه دارد و هر روز شدیدتر میشود.

اقدام نژادپرستانه و تحریک آمیز نیروهای اسرائیلی در بیرون راندن چند خانوار فلسطینی از خانه و کاشانه خود در محله شیخ جراح در بیت المقدس یا اورشلیم شرقی و تصرف خانه‌های آنها با تنش در این محل و اعتراض فلسطینی‌های ساکن آنجا روبرو شد. اعتراضات سپس به مناطق دیگر شهر و در پی آن به برخی شهرهای عرب نشین اسرائیل نیز کشیده شد. بدنبال آن راکت پرانی جریانات اسلامی حاکم در نوار غزه بسوی شهرها و مناطق مسکونی اسرائیل و پاسخ ارتش اسرائیل با حملات هوایی به اهدافی در نوار غزه، آتش جنگ را شعله ور ساخت.

قربانی این جنگ و درگیری بین دولت اسرائیل و نیروهای اسلامی مردم بی‌گناه هستند. تاکنون حداقل ۱۱۹ نفر از جمله ۳۱ کودک به دلیل حملات هوایی اسرائیل و ۸ نفر از جمله یک کودک به دلیل پرتاب موشک‌های حماس به قتل رسیده و تعداد بسیار بیشتری مجروح شده‌اند و بی‌گمان این کشتار با ادامه جنگ افزایش خواهد یافت. دولت اسرائیل و حماس هر دو در سیاست داخلی شان با بحران مواجهند و به این جنگ برای تثبیت موقعیت خود نیاز دارند. این جنگ از هر دو سو ارتجاعی و ضد انسانی است. بشریت متمدن باید در مقابل این جنایت و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی این دو نیروی ارتجاعی بایستد. دولت اسرائیل و حماس و دیگر نیروهای اسلامی درگیر

آنها نیز مصداق جنایت است و باید محکوم گردد.

به این تراژدی خونبار باید پایان داد. دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا را باید وادار کرد از حمایت اسرائیل دست بردارند و آنها را وادار کرد از تشکیل دولت متساوی الحقوق فلسطینی حمایت کنند. مساله فلسطین یکی از بارزترین و خونبارترین مصادیق ستم ملی در جهان معاصر است که تنها با تشکیل دولت متساوی الحقوق فلسطینی می‌تواند حل بشود. در حال حاضر نه دولت اسرائیل و نه حماس و دیگر نیروهای اسلامی خواستار این راه حل نیستند. حل مساله فلسطین قبل از هر چیز مستلزم مقابله با سیاستهای ضد فلسطینی دولت اسرائیل و مقابله با دخالتهای جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۳ می  
۲۰۲۱

کشور اسرائیل بر آتش جنگ و بحران میدمند. حل مساله فلسطین و خاتمه دادن به رنج آنها و پایان دادن به تقابل نظامی و جنگ تنها با تشکیل دو دولت متساوی الحقوق اسرائیلی و فلسطینی میسر میشود و این امر تنها با عقب راندن نیروهای راست در اسرائیل و برآمد نیروهای چپ و سکولار در این کشور و در هم کوبیدن نیروهای اسلامی توسط نیروهای چپ و سکولار در سوی دیگر این کشمکش امکانپذیر است.

حزب کمونیست کارگری تحریکات نژادپرستانه و سیاست پاکسازی‌های قومی و بیرون راندن مردم محله شیخ جراح از خانه و کاشانه شان، و کشتار مردم غزه توسط ارتش اسرائیل را بعنوان اقداماتی جنایتکارانه قاطعانه محکوم میکند. راکت باران شهرهای اسرائیل و مناطق مسکونی این کشور توسط نیروهای اسلامی و حمایت جمهوری اسلامی از

است و اعراب ساکن اسرائیل را شهروند درجه دو بحساب می‌آورد. اقدام به بیرون راندن خانواده‌های فلسطینی از خانه‌هایشان پاکسازی قومی است و در جهت تغییر در تعریف حقوقی مرزهای مورد مناقشه در اورشلیم یا بیت المقدس صورت گرفته است. مادام که دولت اسرائیل این سیاست‌ها را ادامه دهد مناقشه اعراب و اسرائیلی ادامه خواهد داشت و فجایع و جنگ‌های بیشتری را رقم خواهد زد.

از سوی دیگر جریانات اسلامی در فلسطین و حامیان منطقه‌ای آنها همچون جمهوری اسلامی که آنها را با انواع سلاح‌ها و کمک‌های مالی تجهیز میکنند و مورد حمایت سیاسی قرار میدهند و بر طبل جنگ میکوبند، در تداوم این اوضاع ذینفعند و نقش موثری در مقابله با حل مساله فلسطین ایفا میکنند. این نیروها با سیاست یهودی ستیزی و به رسمیت نشناختن

در این جنگ باید به جرم جنایت جنگی و کشتار مردم غیر نظامی، یکی با بمباران هوایی و دیگری با موشک و راکت پراکنی به مناطق مسکونی، قاطعانه محکوم شوند. جمهوری اسلامی و سایر نیروهای ارتجاعی و هار اسلامی نیز در این فضا به میدان آمده‌اند و بر طبل جنگ میکوبند. اینها همه از زخم مردم فلسطین تغذیه میکنند.

اقدام دولت اسرائیل در بیرون راندن خانواده‌های فلسطینی از خانه‌های خود ادامه سیاست تصرف اراضی فلسطینی است که از بدو تشکیل دولت اسرائیل دنبال شده است، ادامه سیاستی است که شهرک‌سازیهای یهودی در اراضی اشغالی را علیرغم مخالفت جهانی و قطعنامه ۲۰۱۶ سازمان ملل ادامه میدهد. این اقدام مصداق عملی مصوبه پارلمان اسرائیل در اوت ۲۰۱۸ است که رسماً و قانوناً اسرائیل را کشوری یهودی اعلام کرده

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: telegram.me/wpi\_hkki شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## اسماعیل بخشی به هفت تپه خوش آمدی

## عظیم مطور



کارگری تو دهنی بزرگی به جمهوری اسلامی و نظام نکبت سرمایه داری است و اعلام اینکه شکنجه، شلاق و زندان کارگران و معترضین نمی‌تواند کارگران را مرعوب کند.

شور و شغف امروز در میان کارگران و موفقیت آنها در خلع ید از بخش خصوصی به کارگران و همه مردم این نوید را داد که میتوان ایستاد، سازماندهی کرد و پیروز شد. امروز قدرت کارگران کل جامعه را بار دیگر متوجه خود ساخت. شعار «کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد» و فریاد «درد بر کارگر، مرگ بر ستمگر» طنین زیبایی یک پیروزیست که کارگران را پیش قراول نابودی ستم سرمایه داری و جمهوری اسلامی نشان داد. در این جشن پرشکوه کارگران به فرزانه زیلابی وکیلشان درود فرستادند و همینطور بر سپیده قلیان یار کارگران هفت تپه و خانواده اش درود فرستادند و بر آزادی او تاکید کردند.

۱۰ مه ۲۰۲۱

اما کارگران کوتاه نیامدند و با پشتیبانی مردمی در سراسر کشور مواجه شدند و اتحاد آنها، همبستگی خانواده هایشان و مردم هفت تپه و شوش و سراسر کشور موفق شدند لشکر گسترده مقابل را با اراده خود تسلیم کنند. امروز نقطه عطفی در مبارزه کارگران هفت تپه بود و بقول خودشان گام اول پیروزی را کسب کردند و با قدرت اعلام کردند که هفت تپه باید شورایی اداره شود، باید کارگران اخراجی به سر کار برگردند، پرونده های امنیتی تماما به دور ریخته شود. جشن باشکوه امروز در هفت تپه همراه با جمعی از خانواده های کارگری و با حضور اسماعیل بخشی و سایر رهبران

کارگران هفت تپه بعد از سالها تلاش و مبارزه با بخش خصوصی و ارگان های مختلف حکومتی که اسدیگی فاسد را مورد حمایت قرار میدادند یک گام بزرگ به جلو برداشتند و پیروزی خود را جشن گرفتند. اسماعیل بخشی نماینده پرشور کارگران هفت تپه، امروز به هفت تپه آمد تا در میان استقبال گرم کارگران، سخنگوی این موفقیت باشد.

در مسیر پر از فراز و نشیب و نبرد سخت میان هفت تپه با اسدیگی که یک مظهر فاسد مافیای حاکم است، کارگران زیادی دستگیر شدند، تعدادی اخراج شدند، برای بسیاری از کارگران پرونده سازی شد

## اعتراضات مردم عراق: جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند

## اموال کنسولگری جمهوری اسلامی توسط مردم به آتش کشیده شد

خواهان پاسخگویی دولت عراق شدند.

از عراق و قطع دخالت هایش در این کشور شدند. در اقدامی دیگر عصر روز یکشنبه مردم معترض ضمن برگزاری تظاهرات در منطقه استقرار کنسولگری رژیم در کربلا، این مرکز را مورد تعرض قرار داده و خودروهای متعلق به کنسولگری را به آتش کشیدند. پلیس عراق برای متفرق کردن معترضان اقدام به تیراندازی هوایی کرد.

همزمان در چند روز گذشته، معترضان اقدام به برپایی چادرهای تحصن و اعتراض در اطراف اماکن مذهبی در شهر کربلا زده و خواستار دستگیری عاملان ترور شده اند. در شهرهای ناصریه و دیوانیه نیز مردم دست به اعتراض زده و

روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت/مه، «ایهاب الوزنی» از فعالین سرشناس سیاسی مخالف حکومت عراق و دخالت های جمهوری اسلامی در مقابل منزلش در کربلا ترور شد. ساعتی بعد از ترور ایهاب الوزنی، هزاران نفر در کربلا در محکومیت این جنایت دست به تظاهرات زده و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی دادند و این حکومت را عامل ترور وی دانستند. ایهاب الوزنی در شهر کربلا به عنوان یکی از هماهنگ کنندگان تظاهرات شناخته شده بود.

همزمان جمع کثیری از مردم معترض کربلا در محل اماکن مذهبی وابسته به جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زده و ضمن محکوم کرد این ترور، خواهان خروج جمهوری اسلامی

## پیروزی زنان امارات متحده عربی، بر قانون زن ستیزانه؛ لغو تحریم ارتباط جنسی بدون ازدواج

## برگرفته از انقلاب زنانه

به شکل کالایی در خدمت مرد محسوب میکند، در صورتیکه کنترل زنان بر بدن خود حق مسلم تمام زنان است و زن بعنوان یک انسان باید از حقوق برابر با مرد برخوردار باشد.

انقلاب زنانه و ما زنان ایران، پیروزی زنان امارات متحده عربی بر علیه این خشونت سازماندهی شده و این چنین تراژدی هایی در کشورهای خاورمیانه اسلام زده که با وجود جریانات اسلام سیاسی در این جوامع جاری است، را نتیجه مبارزات زنان آزادیخواه و برابری طلب و همبستگی زنان و مردان پیشرو و مبارز، خصوصاً در شبکه های اجتماعی و رسانه ای شدن و همچنین سازمان یافتن مبارزات علیه بی حقوقی زنان میدانیم، همچنین معتقدیم کوچکترین تلاشی برای حل تراژدی خشونت کمک بزرگی به مبارزات کل زنان در خاورمیانه می باشد، لذا این مبارزات باید در ابعاد وسیعتر و گسترده تر صورت بپذیرد تا ما زنان هم سرنوشت در خاورمیانه بتوانیم نه تنها بر روی دولت ها فشار بیاوریم بلکه هر دولتی که ذره ای اهمیتی به حقوق زنان نمیدهد را از قدرت سیاسی ساقط کنیم.

اخیرا امارات متحده عربی قوانین جدیدی را به تصویب رساند از جمله آن که تحریم مواد الکلی و خودکشی و نیز تحریم سکونت مشترک و ارتباط جنسی بدون ازدواج را لغو کرد. بر اساس این قانون زانی که خارج از چارچوب ازدواج باردار می شوند مجازت نمی شوند و دیگر مجبور به فرار از کشور نمی شوند. پیش از این زنان مجبور می شدند که به شکل مخفیانه نوزادان خود را به دنیا آورده و به دور از چشم دولت تربیت کنند، لذا این کودکان نمی توانند در امارات مدرک تولد بگیرند و نیز قادر به دستیابی به خدمات بهداشتی و آموزشی نیز نبودند.

## حضور خانواده های کارگری در جشن پیروزی هفت تپه جلوه باشکوهی از یک مبارزه جانانه است

همسران و اعضای خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه نقش فعالی در اعتراضات کارگران در سال های گذشته داشته اند. در راهپیمایی ها شرکت کردند، در بستن جاده نقش فعالی بعهده گرفتند، شعار دادند و در جلب همبستگی و همراه کردن مردم شوش و هفت تپه با کارگران اعتصابی سهم بسزایی داشتند این سنت را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. هر خانواده کارگری میتواند

نقش موثری در جریان اعتصاب و اعتراض کارگران ایفا کند. چه در صف تجمعات و راهپیمایی ها، چه در جلب همبستگی، چه در سخنرانی و نوشتن بیانیه ها و پیام ها و سایر اقداماتی که بویژه در جریان اعتصابات طولانی مدت برای تضمین موفقیت لازم است. این نقش کارگران پیشرو و همسران پیشرو است که برای به حرکت درآوردن این نیروی مهم دست به کار شوند.

خشونت علیه زنان در کشورهای خاورمیانه و اسلام زده تحت حاکمیت اسلام سیاسی به اشکال مختلف بر زنان اعمال میشود، کنترل بر بدن زنان و اجبار برای حفظ بکارت و نداشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج یکی از بارزترین خشونت های سازماندهی شده علیه زنان در راستای انقیاد و سرکوب زنان، با اهداف ایدئولوژیک دینی توسط اسلام سیاسی است و کالا بودن و بردگی جنسی زن در جامعه را تولید و بازتولید میکند و زنان را

## حضور خانواده های کارگری در جشن پیروزی هفت تپه جلوه باشکوهی از یک مبارزه جانانه است

همسران و اعضای خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه نقش فعالی در اعتراضات کارگران در سال های گذشته داشته اند. در راهپیمایی ها شرکت کردند، در بستن جاده نقش فعالی بعهده گرفتند، شعار دادند و در جلب همبستگی و همراه کردن مردم شوش و هفت تپه با کارگران اعتصابی سهم بسزایی داشتند این سنت را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. هر خانواده کارگری میتواند



## اطلاعیه های حزب

## اعتراضات اقشار مختلف مردم در آذربایجان در ۱۱ روز گذشته! کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

اعتراضات اقشار مختلف در آذربایجان گوشه ای از صدها اعتراض است که همه روزه در سراسر ایران در جریان است. کارگران، بازنشستگان، دانش آموزان، مالباختگان، رانندگان اتوبوس، تاکسیرانان، کشاورزان و اهالی روستاهای محروم از آب آشامیدنی بخشهایی از معترضین در ماههای گذشته بودند که برای معیشت و منزلت انسانیشان مبارزه میکنند.

اعتراضات متعدد زیر در آذربایجان در یازده روز گذشته جلوه ای روشن از جنب و جوش اعتراضی مردم در مقابل حکومتی است که کاری جز چپاول ثروت و امکانات جامعه ندارد:

۹ اردیبهشت، زنان **روستای نوعدی مشگین شهر**، در اعتراض به بی آبی جاده مشگین شهر - اردبیل را بستند!

۹ اردیبهشت، **رانندگان اتوبوس شهری ارومیه** در اعتراض به دستمزدهای معوقه تجمع کردند!

۱۱ اردیبهشت، **تبریز شاهد تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی** همراه و همزمان با شهرهای دیگر در ایران بود!

۱۲ اردیبهشت، **کشاورزان فسندوز میاندوآب** در اعتراض به بی آبی تجمع داشتند!

۱۳ اردیبهشت، **مالباختگان در شهر نقده** علیه سپاه تجمع اعتراضی داشتند که پولهایشان را با وعده تامین خانه بالا کشیده است!

۱۳ اردیبهشت، **تجمع هیئت علمی دانشگاه تبریز** در اعتراض به پایین بودن حقوق برگزار شد!

۱۵ اردیبهشت، **اعتراض دانش آموزان به برگزاری حضوری امتحانات در تبریز، اردبیل، زنجان و مراغه** همزمان و همراه با شهرهای دیگر ایران برگزار شد!

۱۵ اردیبهشت، **کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری در زنجان** در اعتراض به دستمزدهای معوقه و عدم پرداخت حق بیمه کارگران تجمع برپا کردند!

۱۶ اردیبهشت، اهالی **روستای زمهریر مرنند** در اعتراض به انتقال خاک روستایشان جمعی برپا کردند!

۱۸ اردیبهشت، سرمایه گذاران انبوه سازان در **مقابل شهرداری ارومیه** به تجمع اعتراضی دست زدند!

۱۹ اردیبهشت، **بازنشستگان تبریز** مجدداً تجمع اعتراضی برگزار کردند!

۱۹ اردیبهشت، **داروسازان در زنجان همزمان با سایر شهرها** با خواستههای متعدد از جمله در اعتراض به بیکارشدن هزاران داروساز تجمع اعتراضی داشتند!

۲۰ اردیبهشت، **رانندگان تاکسی ارومیه** در اعتراض به وضعیت اسفناک معیشتیشان اعتصاب کردند!

اینها فقط گوشه هایی از اعتراضات در آذربایجان است که در یازده روز ماه اردیبهشت توسط اقشار مختلف مردم ناراضی و معترض به ستم و بیحقوقی و بیحرمتی توسط نظام اسلامی برگزار شده اند!

مردم تحت ستم آذربایجان، باید تلاش کنیم دست در دست مردم ستمکش در سایر شهرهای ایران، اعتراضاتمان به فقر و بی عدالتی و چپاول و بی حرمتی رژیم اسلامی حاکم را گسترده تر و قدرتمندتر بکنیم. این شرط اصلی به عقب راندن مقامات بیرحم و ستمگر این حکومت و هموار کردن راه پیروزی ما مردم معترض علیه حکومت اسلامی است.

پیش بسوی اعتصابات و اعتراضات سراسری!  
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۱ مه ۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۷

## سپیده قلیان حامی کارگران نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد شود



سکونت خانواده او بسیار دور است تبعید گردید.

اکنون دادگاه جمهوری اسلامی حکم خلع ید از اسد بیگی را صادر کرده است. یعنی کسی که پشت دستگیری و زندانی شدن سپیده قلیان قرار دارد از نظر قوه قضائیه حکومت مجرم شناخته شده و از شرکت نیشکر هفت تپه کنار زده شده است. اما او دارد آزاد میگردد ولی پرونده سازی این شخص علیه کارگران و مشخصاً علیه سپیده قلیان که حامی کارگران نیشکر هفت تپه است لغو نشده است و سپیده همچنان در زندان است.

جرم سپیده قلیان دفاع از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و باز نشر اخبار اعتراضات کارگران است. زیر فشار

اعتراضات گسترده و کارزاری جهانی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و حامیان آنها از جمله اسماعیل بخشی نماینده محبوب این کارگران در آبان ۹۸ (نوامبر ۲۰۱۹) آزاد شدند و بعد نیز قوه قضائیه ناگزیر به عقب نشینی شد و احکام صادره برای آنها تحت عنوان "عفو" لغو شد. اما حکم ۵ سال زندان برای سپیده قلیان به قوت خود باقی ماند و او دستگیر و زندانی شد و همچنان در حبس بسر میبرد. آخرین خبر اینکه در آستانه سال جدید ۱۴۰۰ در ایران او به زندان بوشهر که از محل

سپیده قلیان، کارگران زندانی و معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۱ مه ۲۰۲۱

فری دم ناو تلاش میکند که صدای او در سطح جهان باشد و از همه نهادها و سازمان های بین المللی کارگری انتظار دارد از خواست آزادی فوری سپیده قلیان و بسته شدن پرونده امنیتی وی حمایت و پشتیبانی کنند.

تپه در جشن پیروزی خلع ید از اسدیگی از حامیان خود از جمله سپیده قلیان قدردانی کردند و بر او درود فرستادند. امروز جا دارد با صدای رساتر از هر وقت خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط قلیان شویم.

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv  
nctv.tamas@gmail.com

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۸

## دنیا باید علیه جنایت هولناک اسلامی ها در افغانستان بپاخیزد!

روز شنبه ۸ ماه مه در یک اقدام جنایتکارانه تروریستی در سه انفجار مرگبار در مقابل یک مدرسه دخترانه در دشت برچی در غرب کابل، ۶۸ نفر انسان بیگناه کشته و بیش از ۱۵۰ نفر مجروح و زخمی شدند. بیشتر قربانیان دختران همین مدرسه اند که بیرحمانه به قتل رسیدند. این جنایت هولناک ادامه عملیات تروریستی زنجیره‌ای در سراسر کشور است که پس از توافقات دوحه و تضمین طالبان به عدم حمله به نیروهای آمریکایی و ناتو مستقر در افغانستان با تمام قساوت و بیرحمی، مردم و جامعه مصیبت دیده افغانستان را هدف گرفته است.

یک هفته پیش از کشتار بیرحمانه در دشت برچی، نزدیک به ۳۰ دانش‌آموز که برای شرکت در امتحانات کنکور به شهرستان آزره در استان لوگر رفته بودند، قربانی بمب‌گذاری طالبان گردیدند. در یک اقدام تروریستی دیگر به مرکز آموزشی کوثر ۳۰ دانش‌آموز به کام مرگ کشیده شدند. در عملیات تروریستی یکشنبه در زابل نیز، انفجار مین مغناطیسی ۱۱ تن از سرنشینان یک اتوبوس مسافربری را تکه پاره کرد. همزمان با بمب گذاریها، ترورهای نقشه‌مندی نیز علیه فعالین جنبش‌های اجتماعی، خبرنگاران، هنرمندان و منتقدین صورت گرفته است.

بر اساس آمارهای نهادهای ناظر بر درگیری‌های نظامی فقط در چهار ماه نخست سال جاری، نزدیک به ده هزار نفر در جریان عملیات‌های نظامی جان باخته‌اند. هزاران نفر نیز در بیش از ۳۰ شهر افغانستان بویژه در بغلان، هلمند و غزنی بی‌خانمان شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

روز شنبه ۸ ماه مه در یک اقدام جنایتکارانه تروریستی در سه انفجار مرگبار در مقابل یک مدرسه دخترانه در دشت برچی در غرب کابل، ۶۸ نفر انسان بیگناه کشته و بیش از ۱۵۰ نفر مجروح و زخمی شدند. بیشتر قربانیان دختران همین مدرسه اند که بیرحمانه به قتل رسیدند. این جنایت هولناک ادامه عملیات تروریستی زنجیره‌ای در سراسر کشور است که پس از توافقات دوحه و تضمین طالبان به عدم حمله به نیروهای آمریکایی و ناتو مستقر در افغانستان با تمام قساوت و بیرحمی، مردم و جامعه مصیبت دیده افغانستان را هدف گرفته است.

یک هفته پیش از کشتار بیرحمانه در دشت برچی، نزدیک به ۳۰ دانش‌آموز که برای شرکت در امتحانات کنکور به شهرستان آزره در استان لوگر رفته بودند، قربانی بمب‌گذاری طالبان گردیدند. در یک اقدام تروریستی دیگر به مرکز آموزشی کوثر ۳۰ دانش‌آموز به کام مرگ کشیده شدند. در عملیات تروریستی یکشنبه در زابل نیز، انفجار مین مغناطیسی ۱۱ تن از سرنشینان یک اتوبوس مسافربری را تکه پاره کرد. همزمان با بمب گذاریها، ترورهای نقشه‌مندی نیز علیه فعالین جنبش‌های اجتماعی، خبرنگاران، هنرمندان و منتقدین صورت گرفته است.

بر اساس آمارهای نهادهای ناظر بر درگیری‌های نظامی فقط در چهار ماه نخست سال جاری، نزدیک به ده هزار نفر در جریان عملیات‌های نظامی جان باخته‌اند. هزاران نفر نیز در بیش از ۳۰ شهر افغانستان بویژه در بغلان، هلمند و غزنی بی‌خانمان شده‌اند.

این بساط مشقت باری است

## تلخیصی از چند اطلاعیه حزب

### جشن خلع ید در نیشکر هفت تپه

### کارگران پیروزی خود را جشن میگیرند

روز نوزدهم اردیبهشت ماه کارگران نیشکر هفت تپه از ساعت هشت صبح همراه با خانواده هایشان در مقابل شرکت تجمع کردند و پیروزی خود در تحمیل خلع ید اسد بیگی سردسته مافیای بخش خصوصی در هفت تپه را جشن گرفتند. جمعیت بزرگی از کارگران و خانواده هایشان از اوایل صبح در مقابل کارخانه جمع بودند و با پخش شیرینی و موزیک این پیروزی را به یکدیگر تبریک میگفتند. یک صحنه جالب از جشن کارگران نیشکر هفت تپه آتش بازی بخش داخلی شرکت بعد از منتشر شدن خبر خلع ید از اسد بیگی بود.

در تجمع این روز کارگران نیشکر هفت تپه با جمع شدن در مقابل شرکت خلع ید از اسد بیگی را با صدای بلند اعلام کردند و به افتخار این موفقیت کف زدند و یک صدا هورا کشیدند. بنرهای نصب شده کارگران در این محل که در آن پیروزی خود را شادباش گفته بودند قابل توجه بود و بر خواستها و اهداف کارگران تاکید میگذاشت. ابراهیم عباسی یکی از نمایندگان کارگران از جمله سخنرانان این تجمع بود. او در سخنانش با اعلام اینکه ما کارگران زور داریم و زورمان در اتحاد ماست بر پیگیری دیگر مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه تاکید کرد و از جانب کارگران به حراست هشدار داد که حق ندارند اموال شرکت را خارج کنند و قاطعانه اعلام کرد اگر کسی پای نامه خروج اموال را امضا کند مقابلش می ایستیم. عباسی با گفتن اینکه با اتحاد ناشدنی‌ها شدنی میشود اعلام کرد که یکی از مطالبات ما متحقق شده است و تازه شروع کاریم و از جمله بر روشن شدن وضع استخدامی کارگران فصلی و قراردادهای کارگران

غیر نیشکری و بازگشت به کار کارگران اخراجی از جمله اسماعیل بخشی، خنیفر و اخضری تاکید کرد. عباسی از جمعیت خواست که به پاس این موفقیت و اتحاد مبارزاتی کف محکم بزنند و جمعیت با کف زدن سخنان او را همراهی کرد.

خلع ید از اسد بیگی اولین گام برای پیگیری دیگر مطالبات کارگران در نیشکر هفت تپه است و اتکاء به تصمیم گیری شورایی یک حلقه کلیدی در اتحاد مبارزاتی کارگران نیشکر هفت تپه است. مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه الگویی برای همه کارگران است. از درسها و تجارب آن باید آموخت.

### فراخوان تجمع بازنشستگان و تجمعات معلمان، کارگران شهرداری قروه، فاریاب

و چند خبر دیگر

بازنشستگان تامین اجتماعی - با ادامه یکشنبه‌های اعتراض برای ساعت ده و نیم صبح روز ۲۶ اردیبهشت به تجمع سراسری فراخوان داده اند. این تجمعات در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی برپا خواهد شد. اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای دوازده میلیون، درمان و تحصیل رایگان و حق داشتن مسکن، حق تشکل، تجمع و اعتراض، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی اسماعیل گرامی معلم بازنشسته که از ۱۴ فروردین در بازداشت بسر میبرد و آزادی همه زندانیان سیاسی، پایان دادن به اختلاس ها و بازگشت پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگی خواستهای اعلام شده آنهاست که بارها بصورت شعار و در قطعنامه ها و بیانیه هایشان بر آن تاکید کرده اند. خواستهای بازنشستگان خواستهای همه مردم است و باید وسیعا مورد پشتیبانی قرار گیرند.

روز چهارشنبه ۲۲

اردیبهشت معلمان معروف به کارنامه سبزه‌ها برای چهارمین روز مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. این معلمان سالهاست که کار میکنند و در بلاتکلیفی شغلی بسر میبرند. اعتراضات در میان معلمان گسترده است. روز گذشته در شیراز شماری از معلمان در اعتراض به تعویق پرداخت مطالبات خود دست به تجمع زدند. یک شعار این معلمان شعار آزادی اسماعیل عبدی است. هم اکنون کارزاری برای آزادی عبدی در جریان است که بیش از ده هزار نفر آنرا امضا کرده اند. افزایش دستمزدها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان برای همه، واکسیناسیون رایگان و همگانی در مقابله با بیماری مهلک کرونا، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق تشکل، تجمع و اعتراض و آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی از جمله خواستهای اعلام شده معلمان در تجمعات اعتراضی و در قطعنامه ها و بیانیه هایشان است.

روز ۲۲ اردیبهشت کارگران قراردادی شهرداری قروه در اعتراض به تبعیض در مقدار دستمزد دریافتی و عدم اجرای همسان سازی حقوق ها برای سومین روز دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. اعتراضات در میان کارگران شهرداری ابعاد گسترده ای دارد. سطح نازل دستمزدها، پرداخت نشدن بموقع آنها و قراردادهای موقت کاری از جمله موضوعات اعتراضی این کارگران در شهرهای مختلف است. در روز گذشته کارگران شهرداری اروند کنار و خرمشهر بخاطر تعویق پرداخت دستمزدهای خود تجمع داشتند.

روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت کارگران شرکت لبنی پاژن در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه دست به تجمع اعتراضی زدند. شرکت پاژن در نسیم شهر در جاده ساوه واقع شده و یکی از

ادامه مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۹

## کمپین دفاع از برادران افکاری برگزار می کند

شرکت‌های لبنی بزرگ استان تهران است که بیش از ۳۰۰ کارگر دارد.

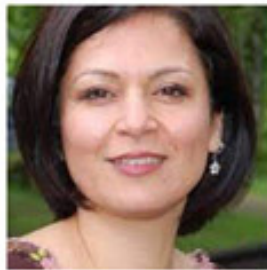
یکشنبه ۱۶ می ساعت ۱۹:۳۰ به وقت اروپای مرکزی



### شرکت کنندگان در کنفرانس:



مینا احدی



شیوا محبوبی



حسن نائب هاشم



زرتشت احمدی راغب

- روز ۲۱ اردیبهشت کارگران معدن فاریاب در اعتراض به قراردادهای موقت کاری و عدم تمدید قراردادها و تعویق پرداخت مزد فروردین ماه و نداشتن سرویس ایاب و ذهاب دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. در این روز کارگران مدیریت را در دفترش نگاه داشتند و خواسته‌هایشان را طلب کردند. زیر فشار کارگران قرار شد تا روز ۲۵ اردیبهشت به خواسته‌های آنان پاسخ داده شود. به گفته کارگران مدیریت معدن فاریاب را به دو شرکت تجزیه کرده و به کارگران میگوید بروید با این دو شرکت قرار داد ببندید و وقتی کارگران میگویند مگر معدن فاریاب چه اشکالی دارد جواب سربالا میدهد. به این ترتیب وضع قرار داد کارگران به تکلیف مانده است. در این معدن ۱۲۷۰ کارگر شاغل هستند.

این برنامه بطور زنده از صفحه فیس بوک و همچنین یوتیوب کمیته بین المللی علیه اعدام پخش خواهد شد



- روز ۲۲ اردیبهشت پرسنل فنی هواپیمایی ملی ایران در اعتراض به عدم همسان سازی حقوقها و سطح نازل آن مقابل ساختمان مدیر عامل شرکت تجمع کردند.

مدیای اجتماعی با تجمع مقابل مجلس اعلام همبستگی و حمایت کردند. بعلاوه همزمان با تجمع تهران برخی از کارگران نفت که بخاطر شیفت کاری یا دوری مسافت نتوانسته بودند در تجمع مقابل مجلس شرکت کنند، در اهواز در مقابل شرکت ملی نفت این شهر تجمع کردند. تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت که تحت عنوان "گردهمایی خانواده رسمی صنعت نفت" فراخوانش داده شده بود، همچنین از سوی کارگران غیر رسمی نفت و بازنشستگان البرز و تهران مورد حمایت قرار گرفته بود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۲مه ۲۰۲۱

از ساعت ده صبح امروز ۲۰ اردیبهشت، جمعی از کارگران نفت شامل نمایندگانی از شاغلین، بازنشستگان و بازنشستگان صنعت نفت در اعتراض به نحوه افزایشات عمومی مزدی خود در سال ۱۴۰۰ و کاهش هر روزه قدرت خرید خود مقابل مجلس اسلامی برگزار شد. در همبستگی با این تجمع شماری از کارگران و کارکنان رسمی نفت از مراکز مختلف نفتی که بخاطر شیفت کاری شان امکان حضور در تجمع تهران را نداشتند، در ابتکاری جالب با بدست گرفتن دست نوشته هایی با تاکید بر خواسته‌هایشان با مضامینی چون "نفت و گاز آسان بدست نمی آید، بهایش زندگی ماست"، "در کنار تان هستییم، کوتاه نمی آییم"، و گرفتن عکس هایی گروهی در محل کار خود و پخش آن در

حتی از سن استخدامشان گذشته است و بارها به این موضوع اعتراض کرده و پاسخی نگرفته اند.

افزایش دستمزدها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان برای همه، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق تشکل، تجمع و اعتراض و آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی از جمله خواسته‌های اعلام شده این معلمان در اعتراضات تا کنونی شان بوده است. از خواسته‌ها و مطالبات معلمان و کارزار آنها علیه امنیتی کردن مبارزات و از جمله آزادی فوری اسماعیل عبدی باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

#### اخبار نفت:

تجمع اعتراضی کارگران رسمی صنایع نفت مقابل مجلس

نشدن حکم‌های امسال مقابل درب رئیس بیمارستان نظام مافی شوش تجمع کردند.

- ۲۰ اردیبهشت: تجمع اعتراضی معلمان غیر رسمی

- روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت جمعیت بزرگی از معروف به کارنامه سبزه‌ها، یعنی معلمانی که سالها در آموزش و پرورش کار میکنند، اما هنوز استخدام آنها رسمی نیست برای دومین روز مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. این معلمان با خواست استخدام رسمی در آموزش و پرورش برای جمعی ۴ روزه از شهرهای مختلف به تهران آمده اند. در تجمع این روز معلمان با شعار "کارنامه سبز داد بزن، خواستتو فریاد بزن"، صدای اعتراض خود را بلند کردند. بسیاری از معلمان کارنامه سبز پس از سالها کار

- روز ۲۱ اردیبهشت جمع‌هایی از بازنشستگان وزارت بهداشت و درمان از شهرهایی چون اصفهان، رشت، کرمانشاه و مشهد به تهران آمده و در اعتراض به اجرای ناقص همسان سازی و عدم اعمال فوق العاده ویژه، حق جذب، سختی شرایط محیط کار و حق اشعه مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. به گفته معترضین علیرغم اینکه از این آیتام ها کسورات بازنشستگی کسر گردیده است اما در احکام متناسب سازی آنها اعمال نشده است. در این روز حضور نیروی انتظامی در محل چشمگیر بود.

- روز سه شنبه ۲۱ اردیبهشت جمعی از پرسنل بیمارستان نظام مافی شوش به دلیل عدم پرداخت حقوق و تعیین تکلیف